مطالعات محیطی هفت حصار شماره سی‌وهفتم/ سال دهم/ پاییز ۱۴۰۰
صفحات ۱۲۰-۹۹

تبیین روابط قدرت کنشگران در تولید و بازتولید فضاهای شهری در اراضی عباس‌آباد شهر تهران[۱]

نیّر فارابی اصل* ، مجتبی رفیعیان** ، سیدمحمدرضا خطیبی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۲/۳۱

چکیده

گفتمان تولید و بازتولید فضای شهری طی دهه‌های اخیر در ادبیات شهری موردتوجه قرارگرفته است. تولید فضای شهری، مفهومی چندوجهی است که می توان آن را مجموعه‌ای از فرایندها و اقدامات فردی و گروهی انسانی نظیر تصمیم‌گیری، مشارکت در کنترل و مالکیت شهری و مشارکت در تولید فضای فیزیکی دانست. تأکیدات اندیشمندان مختلف، رابطه و تأثیر قدرت در ایجاد فضاهای شهر را عیان می‌سازد. امروزه فضاهای شهری ما، به خاطر انحصارطلبی‌ها، برنامه‌ریزی مختص یک یا چند گروه خاص، فقدان عرصه‌ای برای مشارکت و ابراز عقیده استفاده‌کنندگان از فضا، عدم توجه به منافع عمومی، با مشکلات متعددی مواجه است. در جریان تولید و بازتولید فضای شهر،کنشگران متعددی هرکدام دارای قدرت متفاوت و با دسترسی به منابع قدرت مختلف به تأثیرگذاری می‌پردازند. اراضی عباس تهران، یکی از محدوده‌های باارزش و دارای پتانسیل‌های منحصربه‌فرد است. نحوه تولید و بازتولید و بهره برداری از آن در دهه‌های اخیر توسط اقشار مختلف تأمل‌برانگیز بوده و به نظر می‌رسد که روندها یا عواملی، مستقیم یا غیرمستقیم، باعث شده است این محدوده باارزش، از حالت ایده‌آل «شهر برای همه شهروندان»، به حالت «هر بخش شهر برای قشری خاص» تبدیل گردیده و متعلق به همه مردم نباشد. لذا این پژوهش به دنبال شناسایی کنشگران تأثیرگذار در تولید فضای عباس‌آباد و همچنین بررسی روابط قدرت بین آن‌ها بوده است. گردآوری داده‌ها با مصاحبه نیمه ساخت‌یافته با روش نمونه‌گیری گلوله برفی و همچنین بررسی اسناد و مشاهده میدانی بوده و برای تحلیل از نرم‌افزار میک‌مک استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دولت و حکومت، به‌عنوان دو نهاد وابسته به یکدیگر و گاه در تضاد باهم، به هدایت و کنترل تولید فضای عباس آباد پرداخته‌اند، بخش خصوصی مستقل، در این فرایند وجود ندارد و آنچه به اسم بخش خصوصی وجود دارد وابسته و تحت کنترل و اراده دولت و حکومت فعالیت می‌کنند. روابط قدرت بین کنشگران در عباس‌آباد به هیچ وجه معطوف به شهروندان و سازمانهای مردم نهاد نیست. تناقض موجود در اهداف و عمل انجام‌شده در اراضی عباس‌آباد، منجر به از دست رفتن بخش زیادی از پتانسیل این فضای شهری بزرگ در بازتولید از لحاظ تامین نیازهای اقشار مختلف شهروندان شده است. میزان قدرت هر کنشگر در تولید فضاهای شهری، وابستگی زیادی به منبع قدرت وی دارد و بنابراین برای موازنه قدرت کنشگران، مهم و ضروری است که موارنه منبع قدرت آن‌ها را به تعادل رساند. این امر مستلزم ایجاد تحولات و اصلاحاتی در حوزه ساختاری و عملکردی در فرایند تولید فضای شهری است.

واژگان کلیدی

کنشگران، تولید فضا، روابط قدرت، اراضی عباس‌آباد تهران

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین روابط قدرت کنشگران تولید فضاهای شهری تهران نمونه اراضی عباس‌آباد» به راهنمایی نگارنده دوم و زنده‌یاد دکتر سید محسن حبیبی و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین است.

* دانشجوی دکترای شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران n.farabiasl@gmail.com
** استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنر ومعماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.(نویسنده مسئول) rafiei_m@modares.ac.ir
*** استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. khatibimohammadreza@gmail.com

مقاله پژوهشی- مورد پژوهی
©: IAUH
ISSN: 2322-5602

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

مقدمه

گفتمان تولید و بازتولید فضاها در شهر طی چند دهه اخیر در ادبیات شهری کشورهای مختلف دنیا موردتوجه قرارگرفته است. تولید فضای شهری، مفهومی پیچیده و چندوجهی است که رویکردها و تفاسیر گوناگونی در مورد آن مطرح‌شده است. در بحث تولید فضای شهری، منظور از واژه «تولید» را می‌توان در کل هم فرایند و هم محصول آن فرایند معنا کرد. «تولید فضا» را می‌توان مجموعه‌ای از فرایندها و اقدامات فردی و گروهی انسانی نظیر تصمیم‌گیری، مشارکت در کنترل و مالکیت شهری و مشارکت در تولید فضای فیزیکی دانست. با نگاهی به مسیر طی شده‌ی شهر (یعنی ایجاد، توسعه و زوال شهرها) به‌خصوص در طی دو قرن اخیر و بررسی نظریه‌های مطرح‌شده توسط متفکران و اندیشمندان علوم مرتبط با شهر ملاحظه می‌شود که شهر (با همه اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده‌اش) همواره متأثر از قدرت و سیاست بوده است. تأکیدات نظریه‌پردازان و اندیشمندان مختلف، رابطه و تأثیر قدرت در ایجاد فضاهای شهر را عیان می‌سازد. امروزه فضاهای شهری ما، به خاطر انحصارطلبی‌ها، برنامه‌ریزی مختص یک یا چند گروه خاص، فقدان عرصه‌ای برای مشارکت و ابراز عقیده‌ی استفاده‌کنندگان از فضا، با مشکلات متعددی مواجه هست. از سوی دیگر فضاهای شهری با تحولات متعدد ناملموس دیگری روبرو هستند که عملاً آن‌ها را از کارکرد اصلی‌شان که همانا فضایی برای استفاده عموم و توجه به منافع عمومی است دور کرده است. در جریان تولید و بازتولید فضا در شهر کنشگران و عوامل متعددی نقش‌آفرینی می‌کنند که هرکدام دارای نفوذ و قدرت متفاوتی بوده و منابع قدرت متفاوتی در اختیار دارند. این قدرت همان‌گونه که میشل فوکو[1] اظهار می‌دارد در کل جامعه جاری بوده و مولد واقعیت است. این فضا یا به قول هانری لوفور[2]، «تولید اجتماعی»، در یک رابطه دیالکتیکی با کنشگران اجتماعی در جامعه تولید می‌گردد. آنچه در این بین جالب‌توجه است تأثیرگذاری دوسویه فضا و اجتماع انسانی بر هم است. یعنی از یک‌سو این اجتماع انسانی و عوامل و عناصر مختلف کنشگران در جامعه هستند که به تولید فضا بر اساس خواست‌ها و اهداف خود می‌پردازند و در تطابق با نیازهای خود به فضا شکل می‌دهند و از آن بهره موردنظر خود را می‌برند و از دیگر سو ویژگی‌های این فضا و امکانات آن، نحوه بهره‌برداری و نوع فعالیت‌های انسان را تعیین می‌کند. همان‌گونه که جین هیلیر[3] (۱۳۸۸) نیز مطرح می‌نماید، دغدغه تفکر و بررسی قدرت آن زمانی ملموس می‌گردد که فشار قدرت‌هایی که هستند مسئله‌زا و خلاء قدرت‌هایی که نیستند باعث بروز عدم تعادل‌هایی در جامعه گردد. تجزیه‌وتحلیل شبکه‌های پنهان موجود بین ذی‌مدخلان یک ابزار است که می‌تواند به برنامه ریزان و مدیران توسعه شهر کمک کند.

اراضی عباس‌آباد در بخش مرکزی کلان‌شهر تهران، یکی از محدوده‌های با ارزش و دارای شرایط و پتانسیل‌های ویژه و منحصربه‌فرد است. نحوه تولید و بازتولید این فضا در طی دهه‌های اخیر و نحوه بهره‌برداری از آن توسط اقشار مختلف مردم تأمل‌برانگیز بوده و به نظر می‌رسد که روندها یا عواملی، مستقیم یا غیرمستقیم، باعث شده است این محدوده باارزش، از حالت ایده‌آل «شهر برای همه شهروندان»، به حالت «هر بخش شهر برای قشری خاص» تبدیل گردیده و متعلق به همه مردم نباشد. در زمینه بررسی کنشگران و ذی‌نفعان در مجموعه‌های مختلف و سازمان‌ها و شرکت‌ها پژوهش‌های زیادی انجام‌شده و همچنین در حوزه فضای شهری و بررسی فضاهای شهری تهران پژوهشگران مختلفی از زاویه‌های دید مختلف به موضوع نگاه کرده‌اند. در موضوع قدرت نیز پژوهشگران مختلفی با نقد و بررسی مسئله قدرت و نظریات اندیشمندان، در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و تا حدی اجتماعی پرداخته‌اند. اما در حوزه تبیین روابط قدرت کنشگران تولید و بازتولید فضای شهری به‌خصوص در محدوده باارزش و منحصربه‌فرد اراضی عباس‌آباد پژوهشی تاکنون انجام‌نشده است. هدف این پژوهش، شناسایی کنشگران تولید فضای شهری اراضی عباس‌آباد تهران و تبیین روابط قدرت بین آن‌ها در بازتولید این فضای شهری است. در گام اول از طریق بررسی اسنادی و کتابخانه‌ای و شناسایی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها از طریق مصاحبه با روش گلوله برفی به شناسایی کنشگران پرداخته می‌شود، سپس به‌منظور شناسایی روابط و میزان قدرت از روش تحلیل شبکه (تحلیل تأثیرات متقابل) با بهره‌گیری از نرم‌افزار میک مک پرداخته می‌شود.

روش تحقیق

رویکرد اجرایی این پژوهش، بهره‌گیری از روش کیفی برای رسیدن به مناسب‌ترین پاسخ به مساله مورد پژوهش است. در این پژوهش به‌منظور استخراج پیشینه پژوهش و مبانی نظری از روش کتابخانه‌ای و اسنادی و به‌منظور بررسی و تحلیل روابط قدرت کنشگران تولید فضا در اراضی عباس‌آباد از روش تحلیل تأثیرات متقابل (اثر متقابل/ساختاری) استفاده شده است تا از این طریق بتوان تحلیل مناسب و مفیدی از کنشگران تولید فضا و میزان اثرگذاری‌شان (قدرتشان) در تولید فضا در اراضی عباس‌آباد به دست آورد. داده‌های پژوهش حاضر، کنشگران تولید فضای اراضی عباس‌آباد تهران هستند که از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و همچنین بررسی اسنادی و میدانی مورد شناسایی قرار

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

گرفتند. به بیان دقیق‌تر، برای شناسایی کنشگران تولید فضای شهری، پیرو نتایج حاصل از مطالعه و بررسی ادبیات موضوع، دو معیار برای طبقه‌بندی کنشگران در نظر گرفته شد و بر اساس این معیارها (یعنی جایگاه نهادی و پایگاه اجتماعی- منابع قدرت)، کنشگران به سه دسته تقسیم بندی شدند که شامل نهادهای حاکمیتی و دولتی- بخش خصوصی- شهروندان و جامعه مدنی بودند (تصویر ۲). این مدل یا طبقه‌بندی سه‌گانه کنشگران، در عباس آباد مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت تا وجود و حضور اعضای هر کدام از این طبقات مشخص گردد. برای نیل به این مقصود، از روش مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با خبرگان و نیز روش میدانی (مشاهده) و بررسی اسنادی استفاده گردید. مصاحبه‌های نیمه-ساخت‌یافته از سه گروه هدف از مخاطبان انجام شد که شامل افراد در مجموعه‌های اجرایی در مدیریت شهری و نهادهای دولتی (از جمله شهرداری تهران و شهرداری مناطق ۶ و ۷ و شورای شهر و وزارت راه و شهرسازی و نهادهای دولت و حکومتی مستقر در عباس آباد و سازمان مشاور فنی عمرانی تهران و اداره نظارت بر اجرای پروژه‌های عباس‌آباد و ...)، افراد علمی و آکادمیک که در موضوع این پژوهش یا جنبه‌هایی از آن صاحب نظر و شناخته شده بودند و یا مطالعات جالب توجهی در این زمینه داشته‌اند (اساتید دانشگاه و پژوهشگر)، و نیز افراد علمی- اجرایی (از جمله همکاران شرکتهای مهندسین مشاور تهیه کننده طرح عباس آباد نظیر شرکت نقش جهان پارس و مهندس میرمیران و...) بودند که این افراد با توجه به ماهیت پژوهش از روش نمونه گیری گلوله برفی انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با این افراد که برخی به صورت حضوری در محل کار و برخی افراد به صورت مجازی (صوتی و تصویری با بهره گیری از پیام رسان های واتساپ و اسکایپ)، و زمان مصاحبه حدود ۳۰ الی ۹۰ دقیقه انجام گردید. این کار تا زمان رسیدن به اشباع، یعنی جواب‌ها و مطالب تکراری ادامه یافت. لیست کنشگران شناسایی شده برای تدقیق و تکمیل لیست، مجدد برای مصاحبه شوندگان ارسال شد و نظرات آنها برای تدقیق لیست اعمال گردید.

چهل کنشگر شناسایی‌شده در ماتریس تأثیرات وارد شدند. ماتریس مذکور با روش دلفی توسط کنشگران و نیز متخصصان به طرق مختلف مجازی و حضوری و ارسال جدول عددگذاری شده، تکمیل گردید. از این‌رو متغیرهای پژوهش، ۴۰ کنشگر هستند که در جدول ۲ قابل مشاهده است. استفاده از روش مذکور در مطالعات بررسی کنشگران تولید فضا در اراضی عباس‌آباد به دلایل زیر انجام‌گرفته است:

- شناسایی و دسته‌بندی مهم‌ترین کنشگران اثرگذار بر تولید فضا در اراضی عباس‌آباد؛
- شناسایی ارتباط بین کنشگران تولید فضا در اراضی عباس‌آباد.

روش تحلیل اثرات متقاطع یکی از روش‌های تحلیل است که سعی دارد با روابط علی و معلولی بین عوامل مؤثر بر یک موضوع، به سناریوهای ممکن و محتمل برای آن موضوع دست یابد (بهشتی و زالی،۱۳۸۹: ۵۹). تئودور گوردون[۴] و هلمر[۵] روش تأثیرات متقابل را اولین بار در سال ۱۹۶۶ ابداع کردند (گوردن، ۱۹۹۴). در تکنیک تحلیل اثرات متقاطع[۶]، رویدادها، حوادث و روندها به‌مثابه متغیرهای مستقل در نظر گرفته‌شده و از طریق بررسی خروجی (دوبه‌دو) متغیرهای مؤثر با پیشران (در سطر و ستون) احتمالات پدیده در آینده ترسیم می‌گردد (لطفیان،۱۳۸۴). نرم‌افزار مورد استفاده به منظور تحلیل اثرات متقاطع، نرم‌افزار میک‌مک[۷] است. این نرم‌افزار این امکان را می‌دهد که با کمک گرفتن از ارتباط ماتریسی، همه مؤلفه‌های اصلی یک سیستم را تشریح کند. با بررسی این روش امکان آشکارسازی متغیرهای اصلی جهت ارزیابی سیستم را ارائه می‌دهد. یکی از ویژگی‌های این نرم‌افزار، تحلیل قدرت محرک و وابستگی متغیرها است (Faisal et al. 2006; Mandal and Deshmukh 1994; Jadhav et al. 2014 به نقل از Dandage et al.2017). در این روش تکنیکال، میزان ارتباط، با اعداد بین صفر تا سه سنجیده می‌شود. عدد «صفر» به‌منزله «بدون تأثیر»، عدد «یک» به‌منزله «تأثیر ضعیف»، عدد «دو» به‌منزله «تأثیر متوسط»، و عدد «سه» به معنی «تأثیر زیاد» است. بنابراین اگر تعداد متغیرهای شناسایی‌شده n باشد، یک ماتریس n×n به دست می‌آید که در آن تأثیرات متغیرها بر یکدیگر مشخص‌شده است (بهشتی و زالی، ۱۳۹۰: ۴۸). روش کار در این نرم‌افزار به‌صورت زیر انجام پذیرفته است:

مرحله اول: شناسایی و کدگذاری کنشگران تولید فضا در اراضی عباس‌آباد: در این مرحله پس از بررسی‌ها و تحلیل‌های کیفی، مصاحبه‌ها و سایر موارد انجام‌شده، ۴۰ کنشگر مؤثر در تولید فضای اراضی عباس‌آباد که اعمال قدرت می‌نمودند شناسایی شدند.

مرحله دوم: تشکیل ماتریس و امتیازدهی میزان اثرگذاری کنشگران تولید فضا در اراضی عباس‌آباد نسبت به یکدیگر براساس امتیازات ۰= بدون اثرگذاری، ۱= اثرگذاری ضعیف، ۲= اثرگذاری متوسط و ۳= اثرگذاری زیاد بود. این مرحله توسط کارشناسان و مدیران مربوطه در جلسات دلفی امتیازگذاری شده‌است و پس از آماده‌سازی در فایل اکسل وارد نرم‌افزار میک‌مک شده و خروجی‌های موردنیاز به‌دست‌آمده و تحلیل‌شده است.

کرسول برای نیل به اعتبار یا روایی پژوهش کیفی، هشت راهبرد را پیشنهاد می‌کند و مطرح می‌کند که رعایت دست کم دو راهبرد در هر پژوهش کیفی می‌تواند برای پژوهش، اعتباری قابل‌قبول ایجاد کند (کرسول،۱۳۹۸). برای روایی (اعتبار) این پژوهش از دو روش بهره

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

گرفته‌شده است. دریافت نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش درباره‌ی اعتبار یافته‌ها و تفسیرها. نتایج و یافته‌های پژوهش به‌منظور صحت‌سنجی در اختیار تعدادی از کارشناسان و مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت و از آن‌ها نظرخواهی گردید. درگیری طولانی‌مدت پژوهشگر با فضای پژوهشی و مشاهدات مداوم او در محیط پژوهش ازجمله اعتمادسازی با افراد موضوع پژوهش و مشاهدات میدانی باعث آشنایی پژوهشگر با فضا و افراد شده و تا حد امکان از کج‌فهمی‌های احتمالی کاست. همینطور میزان پایداری و قابل اعتماد بودن سیستم در نرم‌افزار میک‌مک (جدول شماره یک) براساس ورود اطلاعات و نظرات سوال‌شوندگان ۹۷ درصد است که مقدار بسیار بالا و قابل اتکایی است.

پیشینه تحقیق

برای بررسی پیشینه پژوهش، جستجو در منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف داخلی و خارجی انجام شد. ازجمله پژوهش‌های خارجی انجام‌شده می‌توان به این مطالعات اشاره نمود: دیویس[۸] از نظریه‌پردازان بریتانیایی در پژوهشی (۲۰۰۲) به سیاست‌گذاری‌ها و تغییر نقش کنشگران اصلی متأثر از سیاست‌های ملی پرداخته است. بوث[۹] نیز در سال ۲۰۰۵ شراکت‌ها را با رویکرد شبکه‌ای در حکمروایی بازآفرینی شهری در بریتانیا موردبررسی قرار داد. ادوارد فریدمن و همکارش[۱۰] (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان «رویکرد ذی‌نفعان در مدیریت استراتژیک» در دانشگاه ویرجینیا[۱۱]، نظریه ذینفعان (کنشگران) از لحاظ مفهوم را موردبررسی قرارگرفته داده و پیشنهاد می‌کنند که چگونه مدیریت ذینفعان بر اقدام مدیریت تأثیر می‌گذارد. باتلر (۲۰۰۴) رساله دکترا تحت عنوان « قانون و تولید اجتماعی فضا»[۱۲] در مدرسه قانون گریفیت[۱۳] انجام داده است و دالیا ای تاها[۱۴] در سال ۲۰۱۶ پژوهش« نقش سیاسی تأملات فضای شهری در صحنه کنونی و آینده در قاهره- مصر»[۱۵] را انجام داد. الیزابت ماریا لک لرس[۱۶] پژوهش‌های انجام‌شده در دیگر کشورهای جهان در موضوع کنشگران و ذی‌نفعان و روابط قدرت آن‌ها در شهر، بیشتر در حوزه ذی‌نفعان سازمانی و مدیریت ذی‌نفعان و بررسی کنشگران در شهر و محیط‌زیست طبیعی پرداخته‌اند. با بررسی‌های انجام‌شده مشخص گردید که در زمان انجام پژوهش حاضر، در ایران در موضوع «تحلیل روابط قدرت کنشگران در فرایند بازتولید فضاهای شهری تهران و به‌ویژه در موضوع اراضی عباس‌آباد تهران»، پژوهشی که صرفاً به این زاویه تمرکز کرده باشد، انجام‌نشده است. پژوهش‌های که در حوزه شهرسازی در موضوعات قدرت و فضای شهری و بازتولید فضا کار شده باشد در ایران در سال‌های اخیر شامل تعدادی پایان‌نامه و طرح پژوهشی است که ازجمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: موسویان شریف‌زاده در پایان‌نامه خود در سال ۱۳۹۲ با موضوع به بررسی مفهوم قدرت در روابط اجتماعی موجود در فضاهای عمومی و نحوه این تأثیرگذاری و کشف مناسبات قدرت در این فضاها می‌پردازد. کاظمیان سال ۱۳۸۳ در رساله دکترای خود با عنوان «تبیین رابطه ساختار حاکمیت و قدرت شهری با سازمان‌یابی فضا»، الگوی تحلیل سه سطحی (کلان، میانه و خرد) برگزیده است و نتیجه می‌گیرد که سازمان فضایی متکثر، همگرا، کارآمد و پایدار در منطقه کلان‌شهری تهران مشروط است به استقرار ساختار حکمروایی افقی، متکثر، منسجم و چند قلمرویی و این خود مشروط است به نهادها و روابط قدرت متوازن و شهروندمدار. امیرحاجلو در سال ۱۳۹۶ در رساله دکترای خود در پی شناخت فرایند تولید فضای کلان‌شهر تهران در شکل متأخرش در پرتو بازاندیشی معرفت‌شناختی در چارچوب مناسبات سرمایه‌داری جهانی است. در مطالعات انجام شده، بررسی کنشگران بیشتر در سطح شناسایی بخشی از کنشگران باقی مانده است و به بررسی کفه سنگین قدرت بخشی از کنشگران پرداخته نشده است. تولید فضا به ویژه از منظر هانری لوفور نیز در سالهای اخیر مورد توجه محققان و حمایت شهرداری تهران قرار گرفته است. خلائی که به نظر می‌رسد در پژوهش‌ها کمتر به آن پرداخته شده ارتباط قدرت عناصر قدرت و کنشگران در ایجاد فضای شهری می‌باشد. معدود پژوهش‌های انجام شده در حوزه توجه به قدرت، صرفا در مصرف فضا و حضور در فضای شهری بررسی شده و به تحلیل عمیق همه کنشگران در تولید فضا و نه صرفا حضور در فضا پرداخته نشده است. همچنین در بررسی کنشگران و ذی نفعان و کاربران فضای شهری، توجه به نوع تولید فضا با توجه به حقی که اقشار مختلف مردم در لذت بردن و مصرف فضا و نیز تأثیر سیاست‌ها و قوانین موجود در کشور در نحوه تولید فضا در پس زمینه توجه محققان در کارهایشان به صورت جدی مطرح نشده‌است و در زمینه تحلیل روابط قدرت کنشگران در تولید و بازتولید فضای شهری (به‌ویژه اراضی عباس‌آباد تهران) پژوهشی انجام نشده است.

مبانی نظری پژوهش: قدرت و فرایند بازتولید آن در فضای شهری: شهرها پویا هستند و فضاهای شهری یک ورودی بسیار مفید برای درک و مدیریت چالش‌های پیچیده در حال ظهور برای شهرها و شهرنشینی به ما ارائه می‌دهند. همان‌طور که دکتر جوآن کلوس، مدیر یو ان هبیتات[۱۷] نیز مورد تأکید قرار داده است، اگر نتوانیم یک سیستم سالم از فضای عمومی در شهر ارائه دهیم، در مورد اینکه آیا ما یک شهر خواهیم داشت، شک و تردید وجود دارد. ستا لاو[۱۸]، در پژوهشی[۱۹] استدلال می‌کند که فضاهای عمومی به‌عنوان مهم‌ترین زمینه برای توسعه یک جامعه از نظر اجتماعی عمل می‌کنند – مکان‌هایی که نژاد، طبقه، جنسیت، سن، ترجیح جنسی، قومیت و توانایی‌ها و تفاوت‌ها

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

تجربه می‌شود و در یک مجمع برای اقدامات سیاسی، ارتباطات و اقدامات دموکراتیک مورد مذاکره قرار می‌گیرد. آنچه موردنیاز است مجموعه‌ای از ابزارها و استراتژی‌های مشترک برای بهبود فضاهای عمومی شهری است (Haas & W. Mehaffy, 2019). فضا بیش از آنکه چیزی کمیت‌یافته و قابل‌اندازه‌گیری باشد، مفهومی سیال و همواره در حال‌شدن است. فضاهای شهری ازیک‌طرف فرهنگ، ارزش‌ها، اهداف و ایدئولوژی‌های غالب در هر جامعه‌ای را بازنمایی می‌کنند و از طرفی دیگر با فراهم‌آوردن زمینه‌های حضور، امکان‌های فضایی را برای گروه‌های رانده‌شده، تسهیل می‌کنند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۶). از پیامدهای ناگوار نوظهور فضاهای شهری، کاسته شدن از ارزش مصرفی یا استفاده‌ای فضاهای شهری و افزوده شدن به ارزش مبادله‌ای آن‌هاست و یا به عبارتی فضاهای شهری تبدیل به کالا شده‌اند (Lefebvre, 2000; Harvey, 2008). کالایی‌شدن فضاهای شهری، منافع فردی را با توسعه شهر گره زده است؛ ازاین‌روست که پیکر شهرهای معاصر، شاهد مغلوب‌شدن منافع عمومی در برابر منافع خصوصی و یا به عبارتی دچار فقدان تعادل در توزیع قدرت در شهرها شده است. در این بین فرآیندهای پنهان و سایه‌های قدرت در شهر (به تعبیر هیلیر)، نه‌تنها فضا را بلکه ابزارها و لوازم سلطه بر فضا را نیز تولید و بازتولید می‌کنند؛ ازاین‌رو در گام نخست، فضای شهری به چیزی شی‌گونه بدل می‌شود و از ارزش مصرفی (استفاده‌ای) آن کاسته شده و متقابلاً بر ارزش مبادله‌ای آن افزوده می‌شود؛ در نهایت، تولید و بازتولید فضا در شهر به‌جای پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع و در حال تغییر ساکنان و نیازهای نسل‌های آتی، تبدیل به ابزاری ساختارمند جهت به چرخش درآوردن انباشت سرمایه و قدرت افزونی انحصاری صاحبان قدرت در شهر می‌شود (Harvey,1990). این‌جاست که تعارضات بین منافع فردی و جمعی در شهر رخ می‌نماید (Harvey,2010: 24) و بسته به شیوه تولید فضا و به بیانی دیگر تحت تأثیر کنشگران قدرتمندتر در فرایند تولید فضا، نوع فضای تولید یا بازتولید شده نیز تغییر می‌کند. البته باید یادآور شد که این کنشگری کنشگران با روابط قدرت خاص خود در ارتباطی درهم تنیده با عوامل مختلفی، اثرگذار در تولید و بازتولید فضاست.

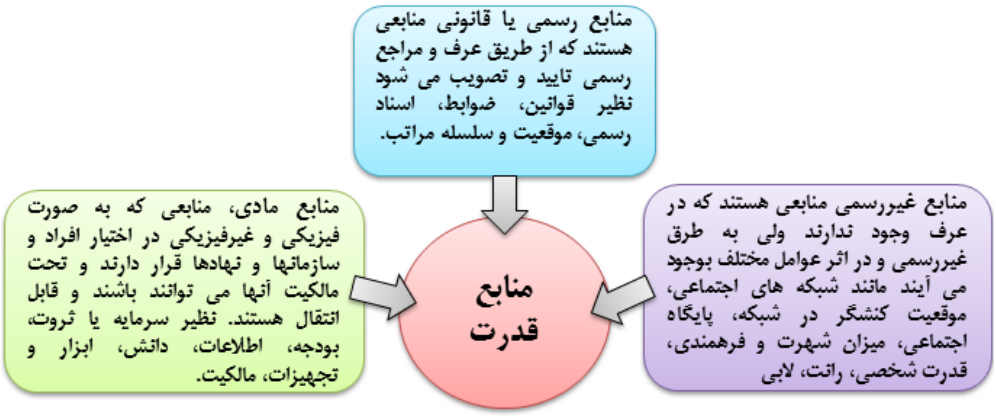
«تولید فضا» را می‌توان مجموعه‌ای از فرایندها و اقدامات فردی و گروهی انسانی نظیر تصمیم‌گیری؛ مشارکت در کنترل و مالکیت شهری و مشارکت در تولید فضای فیزیکی دانست. با نگاهی به مسیر طی شده شهر مخصوصاً در طی دو قرن اخیر و بررسی نظریه‌های مطرح‌شده توسط متفکران و اندیشمندان علوم مرتبط با شهر ملاحظه می‌شود که شهر (با همه اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده‌اش) همواره متأثر از قدرت و سیاست بوده است. از دیویدف که آغازگر بحث سیاست در برنامه‌ریزی شهری بود و جان فریدمن که توزیع قدرت را در برنامه‌ریزی شهری به بحث گذاشت. و جین هیلیر که قدرت شهری را با مکمل نمودن نظریات هابرماس و فوکو موردبررسی قرار داد (هیلیر، ۱۳۸۸) و اوتال که قدرت سیاسی را عامل اصلی پیشبرد برنامه‌ریزی و منافع شخصی را عامل مخرب کارایی عقلانیت در برنامه‌ریزی دولتی برمی‌شمرد و استیون لوکس که سه‌گانه قدرت را مطرح نمود (لوکس، ۱۳۹۳) و پتسی هیلی که در برنامه‌ریزی همکارانه و مشارکتی خود، درگیر حاکمیت و پیچیدگی شهر و کنشگران آن شده است (هیلی، ۱۳۹۷)، همگی به تأثیرگذاری قدرت و سیاست در شهر تأکید می‌نمایند. از سویی هانری له فور با تأسی از مارکس و تنی چند از اندیشمندان پیش از خود، پرچم‌دار بازکردن باب جدیدی از بحث‌ها با فهم متفاوت و خاص خود از تولید فضا در شهر می‌گردد؛ و دیوید هاروی که در تولید فضا به ساختارهای قدرت توجه می‌کند. مجموعه این تأکیدات رابطه و تأثیر قدرت در ایجاد فضاهای شهر را عیان می‌سازد.

قدرت یکی از چالش‌برانگیزترین مفاهیم و همچنین یکی از مبهم‌ترین نظریات است که روزبه‌روز در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به صور گوناگون درک می‌شود. نظریه‌پردازان برجسته‌ای همچون پارسونز[۲۰]، وبر، لوکس[۲۱]، گیدنز[۲۲]، فوکو[۲۳]، کلگ[۲۴] و موریس[۲۵] در حوزه قدرت دیدگاه‌های خود را مطرح نموده‌اند (Weber, 2010). فوکو از برجسته‌ترین اندیشمندان حوزه قدرت، چنین بیان می‌کند که« اعمال قدرت شیوه‌ای است که برخی از کنش‌ها به حوزه کنش‌های ممکن دیگر ساختار می‌دهد» (فوکو، ۱۳۸۹: ۴۲۹). مفهوم فوکویی قدرت، آن را مجموعه روابطی می‌داند که در هرلحظه در سراسر جامعه گسترده است. فوکو ساختار دولت به‌عنوان یگانه ساختار هویت‌بخش را نفی نموده و به انسانی‌تر دیدن نحوه عملکرد تکنولوژی قدرت تأکید می‌کند. وی قدرت را نه به‌عنوان ساختار و نهاد، بلکه به‌مثابه «رابطه بین نیروها» مورد توجه قرار می‌دهد و با بسط مفهوم قدرت، تصوری شبکه‌ای[۲۶] از قدرت ارائه می‌دهد که در متن همه روابط و تعاملات انسانی تولید می‌شود. فوکو کلیت مفهوم و عملکرد قدرت را مطرح نموده و تحلیل کرده اما جزئیات و راهکارهای اجرایی برای حل مسئله قدرت و توزیع قدرت در جامعه را مدنظر قرار نداده است. نای در کتاب «آینده قدرت» مطرح می‌نماید که در سامانه‌های شبکه‌ای پیچیده‌تر، نظریه‌پردازان بر اهمیت شکاف‌هایی ساختاری تأکید دارند که مخل مراوده مستقیم میان بخش‌های معینی از شبکه‌اند. کسانی که بتوانند شکاف‌های ساختاری را پر کنند، یا از آن به سود خود بهره‌برداری کنند، قادر خواهند بود موقعیت خود را به‌منزله منبع قدرتی برای کنترل ارتباطات بین دیگران به‌کارگیرند. وجه دیگر شبکه‌ها که پیوندی باقدرت دارد گستره آن‌هاست (نای، ۱۳۹۲: ۴۲). در این پژوهش منظور از قدرت یا مفهوم مدنظر از «قدرت» عبارت است از: «قدرت یک اثرگذاری سیال است که در قالب مناسبات و روابط در میان کنشگران با استفاده از میانجی‌هایی به

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

جریان می‌افتد و به‌صورت شبکه‌ای تولید و بازتولید می‌گردد. این اثرگذاری یا همان «قدرت»، ذاتی و وابسته به شخص نیست؛ چرا که متناسب با هر موضوع، میزان قدرت هر شخص تغییر می‌کند. یک کنشگر قدرتمند در یک موضوع، می‌تواند در یک موضوع دیگر کاملاً کم قدرت باشد».

منابع قدرت: منبع قدرت، ابزار، روش یا شیوه‌ای است که صاحب قدرت به‌وسیله‌ی آن، اراده‌ی خود و خواسته‌ی خود را اعمال می‌دارد و بر دیگران مستقیم یا غیرمستقیم تحمیل می‌نماید. کارایی هر منبع قدرت به شرایط زمانی و مکانی بستگی دارد و منابع قدرت در طول زمان تغییر می‌کنند. با توجه به حوزه و موضوع اعمال خواسته، پژوهشگران مختلف، منابعی گوناگونی برای قدرت ذکر کرده‌اند (کاویانی‌راد، ۱۳۹۴، Kivits,2013، Lim,2014). در یک جمع‌بندی می‌توان منابع قدرت کنشگران در تولید فضای شهری را می‌توان در ۳ دسته یا گروه در نظر گرفت: منابع مادی، منابع رسمی یا قانونی، منابع غیررسمی (تصویر ۱).



تصویر ۱- طبقه‌بندی منابع قدرت کنشگران تولید فضای شهری

در تولید و بازتولید فضاها در شهر، کنشگرانی با استفاده از ابزارهای در دسترس خود که منابع قدرت نامیده می‌شود به اعمال خواسته‌های خود با توجه به اهداف و علایق و انگیزه‌های خود اقدام می‌نمایند. آنچه در مورد شناسایی کنشگران حائز اهمیت است موضوع و زمینه است؛ چرا که کنشگر یا ذی‌نفع، با توجه به هر موضوع متفاوت است. یک کنشگر بسیار مؤثر و حیاتی در یک موضوع، می‌تواند یک عضو خنثی و بی‌اثر در یک موضوع دیگر باشد. منظور از کنشگران یا عناصر قدرت در این پژوهش، را می‌توان عبارت از هر فرد، گروه و یا سازمانی دانست که با استفاده از منابع در اختیار خود و از طریق تنظیم کنش و رفتار خود می‌تواند تأثیری هرچند اندک در تصمیم‌سازی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، اقدامات و رفتار سایر کنشگران شهری داشته باشد.کنش و رفتار این عناصر تابعی است از جایگاه رسمی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی، نقش اجتماعی و گرایش‌ها و نگرش‌های ذهنی و عینی حاکم بر هر کنشگر در چارچوب موقعیت ((Kazemian,2004:87 به نقل از (نژادبهرام و جلیلی، ۱۳۹۹). توزیع قدرت در شهرها معمولاً نامتوازن است، جایی که نبرد قدرت بین خیل عظیم گروه‌های رسمی و غیررسمی به‌منظور نفوذ در ماهیت و عملیات نهادهای محلی در جریان است. به عبارتی تعدد قدرت در مقابل قدرت متمرکز یک معضل اساسی است که برنامه‌ریزی شهری با آن روبرو است. علیرغم اینکه هدف ایده‌آل برنامه ریزی شهری، تغییرات دموکراتیک برنامه ریزی شده به عنوان یک عمل اخلاقی و گفتمان فنی است (Sanli and Townshend.2018.3)) به نقل از (رفیعیان و کیانفر، ۱۳۹۸) با این وجود، در سال‌های اخیر، به یک ائتلاف قوی نخبگان متشکل از نمایندگان دولت‌های مرکزی و محلی، توسعه دهندگان از بالا به پایین بدل گردیده است که شهروندان را تحت تأثیر مکانیزم‌های تصمیم‌گیری قرار می‌دهد (رفیعیان و کیانفر، ۱۳۹۸:۱۴). فرایند تولید فضای شهری، توسط نیروهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به شهر دیکته می‌شود (Hutchison,2010). مباحث سیاست فعلی تصدیق می‌کند که فضاهای شهری موفق نه تنها به مفاهیم طراحی بلکه مهمتر به چگونگی ایجاد، حفاظت و نگهداری چنین فضاهایی توسط مقامات عمومی و سایر ذی نفعان بستگی دارد (Mehaff et al., 2019) متمرکز کردن قدرت در برنامه‌ریزی جامع اتفاق می‌افتد و دولت محلی و شهروندان به ترتیب در بالا و پایین هرم قدرت قرار می‌گیرند. همکاری شهروندان در برنامه‌ریزی جامع جایی ندارد، زیرا برنامه نهایی بر اساس اطلاعات

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

متخصصان و تصمیمات دولت مرکزی انجام می‌شود (تیلور، ۱۹۹۸). در مقابل، برنامه‌ریزی مشارکتی مبتنی بر تعامل بین مردم و برنامه‌ریز است (هیلی، ۱۹۹۸). در این روش برنامه‌ریزی، شهروندان در ایجاد برنامه‌های توسعه شهری صدا دارند و در تصمیم‌گیری شرکت‌کنندگان فعال هستند (Day and Gunton,2003 به نقل از Mashhadi Moghaddam & Rafieian,2019). به‌این‌ترتیب یک راه مهم و مؤثر برای تشخیص و تبیین ساختار قدرت در تولید فضای شهر و توسعه شهری، شناسایی گروه‌های نفوذ و منفعت برحسب شرایط و متغیرهای ذی‌ربط است. با توجه به اینکه یکی از ارکان اصلی کنشگران در تولید و بازتولید فضای شهری، نظام حاکمیت است، توجه به حاکمیت، مسئله حائز اهمیت در بررسی روابط قدرت کنشگران است. هیلی با بررسی‌ها و انجام چند مطالعه موردی، حاکمیت را «مجموعه پیچیده یا مجموعه‌ای از روابط و عقلانیت‌ها» تعبیر می‌کند؛ یعنی مجموعه‌ای از خط‌مشی‌های رسمی که با نهادهای راهبردی در عرصه‌های مختلف با هم در تعامل‌اند و به‌عنوان منطق رسمی قانونی با منطق منافع آنی و منطق نهفته در جریانات و گفتمان‌ها و نیز منطق قدرت رسمی که از مجموعه‌ای از شبکه‌ها تشکیل یافته به تعامل و چالش می‌پردازد و در طی زمان تغییر پیدا می‌کند (هیلی، ۱۳۹۷: ۳۰۲). جین هیلیر (۱۹۵۳) که در اثر جالب‌توجه خود، «سایه‌های قدرت»، به تبیین و تحلیل تعامل پیچیده قدرت با برنامه‌ریزی کاربری زمین پرداخته است، مطرح می‌کند که سازمان‌دهندگان و تغییردهندگان محیط مصنوع، معمولاً نه «ما»، بلکه «آن‌ها» هستند؛ «آن‌ها» گروهی در سایه و بی‌نام، که با اتکا بر فرآیندهای مبهم به ایفای نقش و تغییر محیط می‌پردازند. فرآیندهایی که باعث حذف و کنار گذاشته شدن تدریجی و نامحسوس گروه‌ها و منافع غیرمتشکل به نفع گروه‌ها و منافع مشترک و مسلط بر منابع قدرت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌شود. پیامد این روند نیز ناپایداری، ناکارآمدی و قدرت‌محور بودن سازمان فضایی و نظام استفاده از زمین‌های شهری است. آنچه حائز اهمیت است این است که برنامه‌ریزان شهری –چنانکه فورستر و هیلیر نیز اشاره می‌کنند– باید با چیزهایی فراتر از واقعیت دم دست سروکار داشته باشند، باید «جعبه ابزار» یا ذهنیت خود را با نیازهای متحول جامعه وفق دهند (هیلیر، ۱۳۸۸) هیلیر با بهره‌گیری از حوادث عملی در برنامه‌ریزی نشان می‌دهد که کردارهای گفتمانی این رشته خود سازنده موضوع ارتباط‌اند. او نشان می‌دهد که چگونه کنشگران مختلف در راهبرد برنامه‌ریزی مشارکتی نه‌تنها به آفرینش معنا اقدام می‌کنند، بلکه رابطه پیچیده‌ی قدرت را نیز به منصه ظهور می‌گذارند. بنابراین نقش برنامه‌ریزان به‌عنوان کنشگری مهم در به سمت تعادل نسبی بردن توزیع قدرت بین کنشگران در تولید و بهره‌وری از فضای شهری حائز توجه است. همان‌طور که دکتر ویکاس مهتا[۲۷] مطرح می‌کند یک فضا زمانی پتانسیل لازم برای ارزشمندی به‌عنوان فضای شهری را دارد که « طراحی و مدیریت فضا و موارد استفاده از آن، برای اقشار مختلف معنی‌دار باشد». پیچیدگی فزاینده، تغییر سریع و نتایج غالباً غیرقابل پیش‌بینی فرآیندهای طراحی و ساخت شهر، شیوه‌های جدیدی از عملکرد را می‌طلبد که با خصوصیات چنین زمینه‌های متغیر پاسخگو و سازگار باشد (Inam,2018). پیچیدگی رویکردها به معنای فرصتی بهتر برای (دوباره) یافتن راه‌های کاملاً انسانی در جهت تولید محیط های کاملاً انسانی است که تجلی بارز آن در فضاهای شهری است. بنابراین برای تأمین نیازهای فردی و اجتماعی خود، به دنبال محیط‌های انسانی هستیم که بتواند بهترین شرایط را برای زندگی ما فراهم آورد (Radovic,2016).

برنامه‌ریزان به‌عنوان میانجی‌گران بین شناخت و کنش، جایگاه مهمی در به ثمر رسیدن مطلوب‌ها در فرایند برنامه‌ریزی هر جامعه‌ای دارند. روند رویکردهای اخیر که مبتنی بر اجتماع و سیاسی شدن فرایند برنامه‌ریزی و بالطبع، دور شدن از فرایند برنامه‌ریزی صرفاً فنی، کالبدی و عقلانی بوده است، ذهنیت تغییر در بسیاری از راهبردهای برنامه‌ریزی را سبب شده است. برنامه ریزان در رویکردهای جدیدتر ترغیب شده‌اند تمامی تلاششان را معطوف به استفاده از تمامی نیروها، جهت پیشبرد اهداف، برای خلق جهانی بهتر کنند. شهر امکان تمرکز قدرت سیاسی را نیز فراهم می‌آورد و این قدرت به‌خصوص در دولت‌های متمرکز بین وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و... توزیع می‌شود. این قدرت‌ها نمی‌خواهند و نمی‌توانند در شهر بی‌تفاوت بمانند که نتیجه آن تعارض و تضاد در ساختار برنامه‌ریزی است (صرافی و همکاران،۱۳۹۴). به‌تبع در نظام حکومتی و نظریه‌ی غالب برنامه‌ریزی، نقش و جایگاه برنامه ریزان در فرایند برنامه‌ریزی متغیر است و به قول فریدمن «فرهنگ‌های سیاسی گوناگون، انواع مختلف برنامه‌ریزی را تولید می‌کنند» (Ejlali,2012:46) به‌واقع برنامه‌ریزی را باید فعالیتی دانست که تحت تأثیر قدرت است (Forester,2013:7) در کشورهایی که تنها دولت برنامه‌ها را تهیه می‌کند، معمولاً شرایطی تحمیل می‌شود که متخصصان برای کار بر روی اهداف مورد حمایت نهاد دولتی به خدمت گرفته شوند (Davidoff,2012:64). در حقیقت تردیدها از آنجا آغاز می‌شود که دولت، مسئولیت اعمال خشونتِ مشروع و نیز مسئولیت امور امنیتی، قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی را هم بر عهده

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

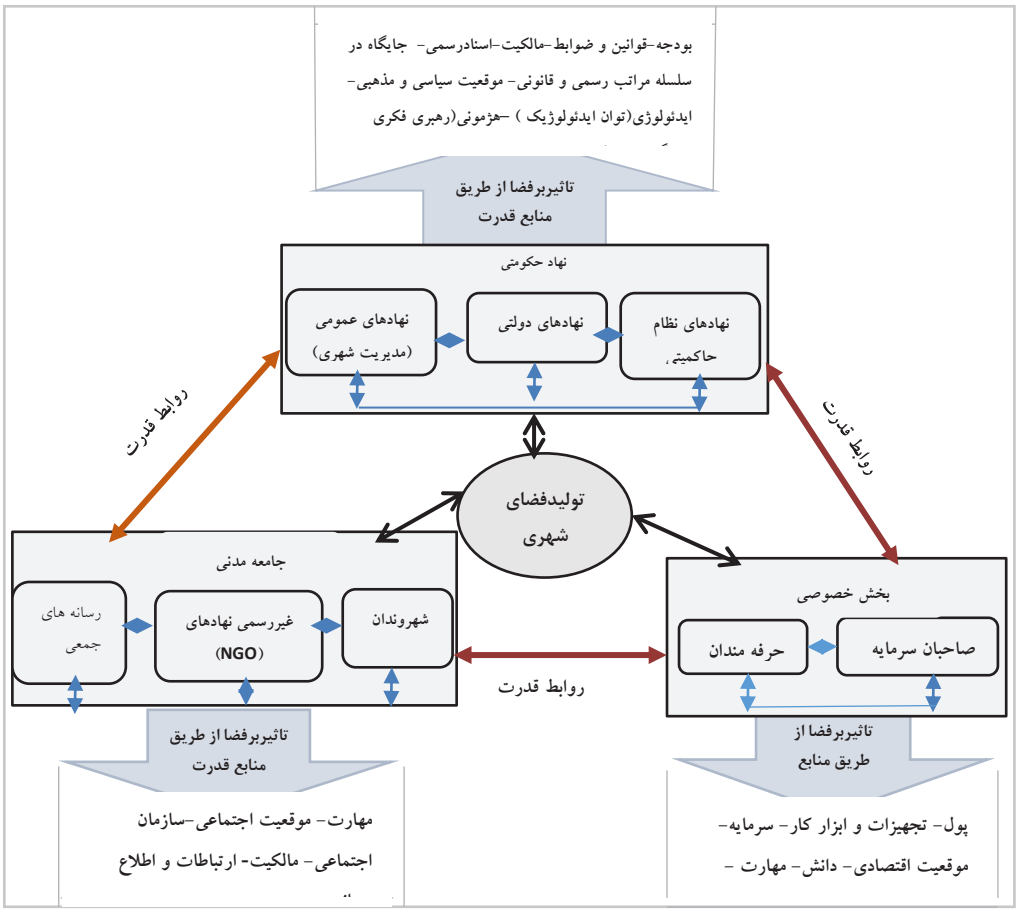
دارد، اما همیشه بـه آزادی مـردم و افـراد احتـرام نمـی‌گـذارد و گـاهی نیـز علیـه منـافع همگـانی اقـدام مـی‌کنـد (Ozer,2007:3). از نظـر لوفـور، فضـا نقطـه نهـایی و میـانجی منازعـه اسـت. «سیاسـت‌هـای فضـایی وجـود دارد زیـرا فضـا امـری سیاسـی اسـت» (لوفـور، ۱۹۷۶). فضا با مناسـبات اقتصـادی نیـز پیونـدی تنگاتنـگ دارد، بـه‌گونـه‌ای کـه در تولیـد فضـای اجتمـاعی نـوعی خشـونت مسـتتر اسـت کـه در عمل در راستای اهداف اقتصادی اسـت. ازنظـر لوفـور، در سـرمایه‌داری امـروز، خـود فضـا مسـتقیماً بـه کـالا و امـری ابـزاری تبـدیل شـده است و در ایجاد ارزشِ اضـافی و سـودآفرینی مـؤثر اسـت. از ایـن رو تنـاقض اصـلی در اینجـا، تنـاقض میـان الـزام سـرمایه بـرای اسـتثمار فضـا جهـت کسـب سـود و الزامـات اجتمـاعی افـراد مصـرف کننـده فضـا اسـت (لوفـور، ۱۳۹۳ :۱۲۲ و لوفـور، ۱۳۹۱ بـه نقـل از ایثـاری و همکـاران، ۱۳۹۸). همـانطور کـه برنـر و همکـاران (۲۰۱۲) نیـز مطـرح مـی کننـد کـه مسـائلی ماننـد مسـکن، حمـل و نقـل و توسـعه زیرساخت ها منجـر بـه تـنش مـی شـود زیـرا ایـن عناصـر سـود محـور هسـتند.ادبیـات نشـان مـی دهـد کـه بیشـتر افـراد دارای مسـائل مربوط به زمـین از نظـر سیاسـی بـا هـم در ارتبـاط هسـتند(Bidandi & Williams,2020) زمـانی کـه دو یـا چنـد ارزش یـا هـدف و یـا عقیده به‌طور طبیعی باهم متنـاقض مـی‌شـوند و هنـوز در مـورد آن‌هـا تـوافقی صـورت نگرفتـه اسـت تعـارض ایجـاد مـی‌شـود (درگـاهی و دیگـران،۱۳۸۷: ۶۴) بـرای ارزشـمند بـودن ایـن تعارضـات، بایـد گـروه‌هـا قـادر بـه مـدیریت ایـن تعارضـات باشـند (Amason,1995:20). همچنین تعارض می‌تواند از منابع مختلفـی ناشـی شـده باشـد. منـابع تعـارض را مـی‌تـوان در سـه گـروه تعارضـات اقتصـادی[۲۸]، تعارضـات ارزشـی[۲۹] و تعارضـات قـدرت[۳۰] دسـته‌بنـدی کـرد (Fisher,2000:1-2). در راسـتای شـناخت درسـت تعارضـات در هـر مداخلـه شـهری، لازم اسـت بـه شـناخت درسـتی از کنشـگران و ذی‌نفعـان دسـت یافـت (سـرخیلی و همکـاران،۱۳۹۵). پژوهشـگران و کنشـگران عرصـه برنامه‌ریزی شهری، بـدون آنکـه آگـاه باشـند در بسـتر قـدرت حرکـت مـی‌کننـد. شـبکه‌هـای پیچیـده‌ای از روابـط قـدرت و عملکردهـایی که هر کدام به‌ظاهر مسـتقل و خنثـی هسـتند امـا تحلیـل و بررسـی آن‌هـا مـی‌توانـد زوایـای پنهـان یـا نهفتـه در ایـن فراینـدها را بـر مـا شهرسازان و برنامه ریـزان شـهری عیـان سـاخته و در کـل برنامـه‌ریـزی و اقـدام مـؤثرتر در جهـت کاسـتن از بـی‌عـدالتی‌هـای موجـود در جامعه شهری فراهم گردد.

در ایران ـ مخصوصاً طی یک‌صـد سـال گذشـته ـ قـدرت سیاسـی همـواره مقـدم بـر قـدرت اقتصـادی بـوده، و شـرط کـافی بـرای کسـب آن به شمار مـی‌رفتـه اسـت. دولـت بـه دلیـل سـلطه بـر اغلـب منـابع قـدرت، از طریـق تقویـت و ایجـاد طبقـات وابسـته همـواره درصـدد بازتولید مداربسته قدرت بوده است. زیـرا نخبگـان حـاکم، بـر ایـن بـاور بودنـد کـه میـان بازتولیـد مداربسـته قـدرت و حفـظ نظـام سیاسـی رابطـه مسـتقیمی وجـود دارد. انحصـار منـابع قـدرت و مخصوصـاً منـابع اقتصـادی و فیزیکـی قـدرت، یعنـی نفـت و نیروهـای امنیتـی، دو عنصـر بسـیار مهـم در تـداوم مداربسـته قـدرت بـوده اسـت. دولـت، رانـت حاصـل از نفـت را از طریـق ایجـاد طبقـات وابسـته و نیروهـای امنیتی سرکوبگر، در خـدمت بازتولیـد مداربسـته قـدرت قـرار مـی‌دهـد. در همـین راسـتا، بوروکراسـی ازیـک‌طـرف، رانتـی بـرای اسـتخدام طبقات وابسته و از سوی دیگر، ابزاری برای متمرکـز کـردن هـر چـه بـیش‌تـر قـدرت در دسـت دولـت اسـت. همینطـور دولـت همـواره در تلاش بوده است تا طبقـات مسـتقل غیـر وابسـته و مخصوصـاً طبقـه متوسـط و نیـز گـروه‌هـا و افـراد مخـالف مداربسـته قـدرت موجـود را به حاشیه براند (قهرمان‌پور،۱۳۹۲). دولـت و حکومـت در ایـران بـه‌عنـوان دو نهـاد وابسـته بـه یکـدیگر، کـه البتـه توجیـه قـانونی نیـز دارد، دارای دو خصوصیت گاه متناقض بـا همـدیگر هسـتند. بـدین معنـا کـه ایـن دو نهـاد قـانونی ازیـک‌طـرف وظـایف کـارگزاری و اداره امـور جـاری کشـور را بـر عهـده دارنـد از طرفـی دیگـر جایگـاه کارفرمـایی بسـیار گسـترده‌ای (بـا ورود بـه حـوزه‌هـای تجـاری و سـوداگری بی‌اطلاع از قوانین و ضوابط سرمایه‌داری سنتی و صنعتی) را در اختیار دارنـد کـه تنهـا بـه برکـت اقتـدار فـرا قـانونی خـود مـی‌تواننـد ادامـه حیات دهد و از ایـن طریـق عمـلاً رشـته‌هـای تسـلط خـود را بـر نظـام مـدیریتی کشـور بیشـتر کـرده‌انـد و تمـامی رشـته‌هـای حیـات و فعالیت مردم، به‌ویژه بخـش خصوصـی بایـد بـه اراده دولـت متصـل شـده و در جهـت خـلاف منـافع شـرکت‌هـا و مؤسسـات دولتـی گـام برندارند (رهنمایی،۱۳۹۳).

چارچوب نظری پژوهش: براساس بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش در مورد قدرت، می‌توان چنین بیان نمود که کنشگران براسـاس منابع قدرتی که دارا بوده‌اند و در عین حال براساس منابع قدرتی که از آن بهره برده‌انـد در تولیـد فضـای شـهری تأثیرگـذاری‌هـای متفـاوتی داشته‌اند. فضا یکی از مهمترین ابزارهای سیاسی دولت است. دولت برای اطمینان از کنترل مکان‌ها و حفظ سلسله مراتب مـدنظر خـود و نیـز همگن ساختن کلیت اجتماع و حفظ جایگاه خود، از فضا استفاده می‌کند. تغییر نقش و جایگاه دولت، تـأثیر و نقـش بسـزایی در تغییـر تولیـد و بازتولید فضا در شهر داشته است. دولت به‌عنوان یک نهاد پایدار و باثبات که در مرکز تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری است، تصور می‌شد؛ اما یـک دولت و یک نهاد ثابت وجود ندارد؛ آنچه وجود دارد، دولت‌ها و نظام‌های حاکم تأثیرگذار است که از یک برهه تا برهه‌های دیگر تداوم می‌یابد و

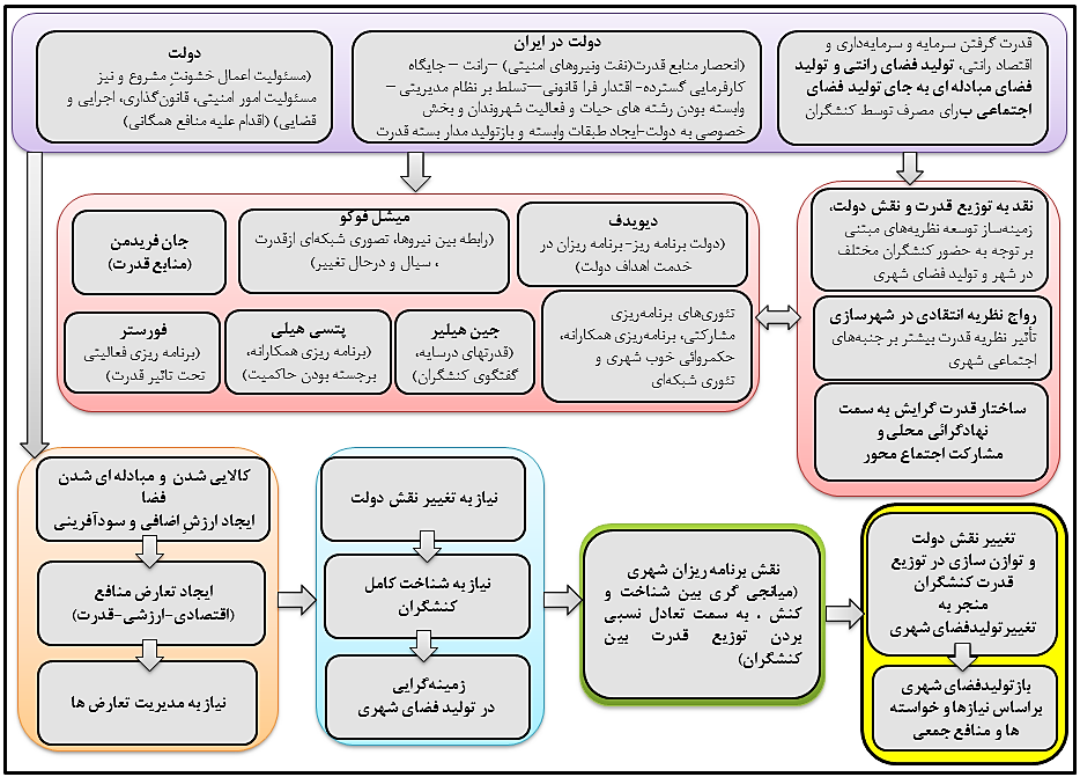
[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

سپس منقضی می‌شود. در مرحله بعدی خود این دوره‌های دولت نیز به بیانی از یک امر مجـازی یعنـی آنچـه ژیـل دلـوز[۳۱]، سـیال و نیـروی اجتماعی می خواند تبدیل می‌شود. در تحلیل‌ها، دولت از یک ساختار به یک عملکرد و مجموعه‌ای از اعمال و کردارها تبدیل می‌شود و فوکـو در کتاب «زایش زیست سیاست» به زیبایی این مسئله را نشان می دهد. با توجه به رواج نظریه انتقادی در شهرسازی تأثیر نظریه قـدرت بـر نظریه‌های متاخر شهرسازی بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی شهری تاکید داشته است و نقد به توزیـع قـدرت و نقـش دولـت، زمینـه‌سـاز توسـعه نظریه‌های مبتنی بر توجه به حضور کنشگران مختلف در شهر و تولید فضای شهری می‌گردد. به عبارتی می‌توان گفت از دهه ۱۹۷۰ بـه بعـد سعی بر این بوده که جنبه تخصص‌گرایانه و تکنوکرات شهرسازی به جنبه مشارکتی و همکارانه بـا مـردم تغییـر کنـد؛ از ایـن‌رو تئـوری‌هـای برنامه‌ریزی مشارکتی، برنامه‌ریزی همکارانه، حکمروائی خوب شهری و تئوری شبکه‌ای در میان شهرسازان و برنامه ریزان شـهری رواج یافتـه است. ساختار قدرت نیز با گرایش به سمت نهادگرائی محلی و مشارکت اجتماع محور[۳۲] سعی در بهبود حمکروائی خود داشته اسـت. توجـه بـه ایدئولوژی و ساختارهای حاکم، نهادها، عاملان، کثرت کنشگران در تصمیم‌گیری ها، منافع و ارزش‌ها و انگیزه‌های کنشگران و از سوی دیگـر منابع قدرت، همسو با توجه به زمینه‌گرایی در تولید فضای شهر (ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، هویتی، اقتصادی و غیره) صفحه‌ی دیگری از دفتر قدرت و تولید فضای شهری را رقم می‌زند. براین اساس در هر دوره‌ای با تحولی از جریان‌های نوع تولید فضا مواجه است. تولید اجتماعی فضا که ایده‌آل و مورد تاکید لوفور و جمعی دیگر از اندیشمندان بود با توجه به مقتضیات و شرایط موجـود در حـال تغییـر و تحـول اسـت بـه گونه‌ای که با قدرت گرفتن سرمایه و سرمایه‌داری و اقتصاد رانتی، بیشتر شاهد تولید فضای رانتی اقتصادی و نیز تولید فضای مبادله‌ای به جای تولید فضای اجتماعی برای مصرف توسط کنشگران است. بر این اساس، شناخت اثرگذاری کنشگران در تولید فضـای شـهری در برهـه هـای مختلف زمان و مکان، در گام نخست مستلزم شناخت کنشگران و تحلیل روابط قدرت حاکم بین آنهاست. پیرو بررسی ادبیات موضوع، در ایـن پژوهش کنشگران در سه دسته کلی نهاد حکومتی، بخش خصوصی و مردم طبقه‌بندی گردید. تصویر ۲ طبقه‌بندی کنشگران تأثیرگذار بر تولید فضای شهری با تأکید بر روابط قدرت (با بهره‌گیری از منابع قدرت و جایگاه‌شان) را نشان می‌دهد.

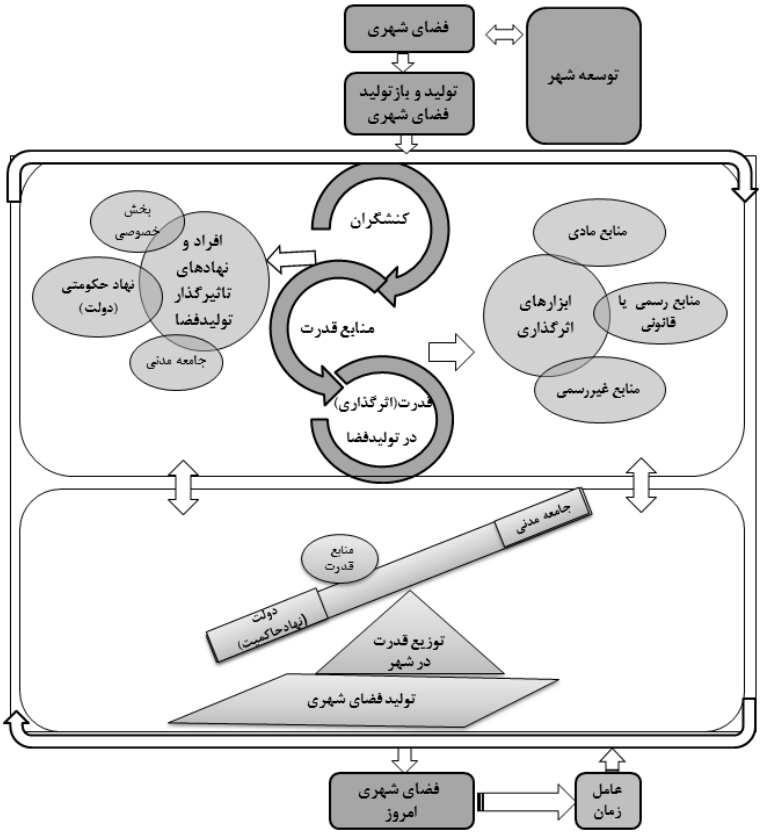


تصویر ۲- طبقه‌بندی کنشگران تولید و بازتولید فضای شهری با تأکید بر روابط قدرت (بر اساس جایگاه قانونی و اجتماعی و منبع قدرتشان)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]



تصویر ۳ – چارچوب نظری پژوهش



تصویر ۴– مدل مفهومی پژوهش

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

یافته‌های تحقیق

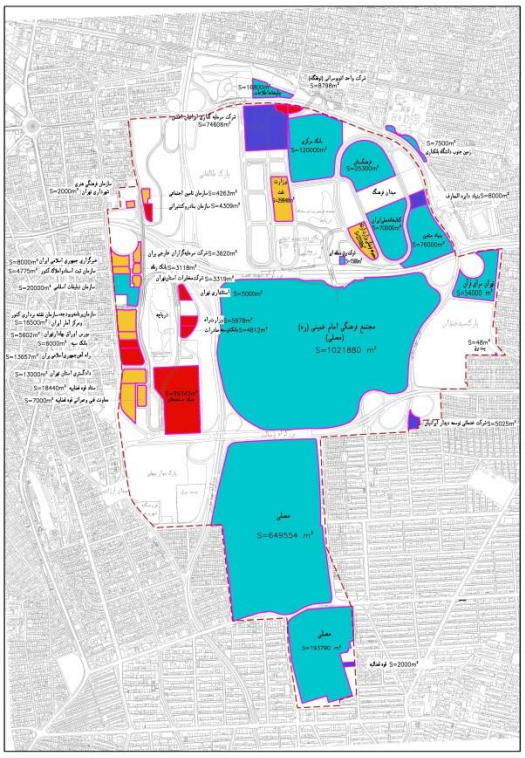
محدوده مطالعاتی: اراضی عباس‌آباد در منظر طبیعی یکی از چهار تپه‌ای است که در شهر تهران در دامنه سلسله جبال البرز و در محیط طبیعی تهران در امتداد تپه‌های کن، پردیسان و لویزان واقع‌شده است. این اراضی تا حدود دهه ۱۳۴۰ شهر تهران را به دو قسمت کوه شمالی و دشت جنوبی تقسیم کرده است و تا آن زمان به‌صورت بکر و خالی باقی‌مانده بود (معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهری، ۱۳۹۵). در دهه ۵۰ و ۶۰ دو جاده سراسری شمالی- جنوبی و شرقی- غربی در میان این اراضی احداث شد. اراضی به‌عنوان تنها فضای تا حدودی طبیعی در شهر تهران با مساحتی به وسعت ۶۲۳ هکتار در نیمه شمالی شهر در محدوده‌ای واقع بین خیابان‌های اصلی میرداماد در شمال، شریعتی در شرق، شهید آیت‌اله استاد مطهری در جنوب و ولیعصر غرب واقع شده است. سه محور از محورهای اصلی ارتباطی شهر تهران (یعنی محور اتوبان شهید آیت‌اله مدرس- محور اتوبان شهید سردار همت- محور اتوبان رسالت) از این اراضی عبور می‌کند و اراضی عباس‌آباد را به شش قطعه بزرگ تقسیم می‌نماید. اراضی عباس‌آباد در دوره قاجار، قریه‌ای بود خارج از حصار اول و دوم شهر تهران با بستری خشک و در بین باغ‌های شمیران و آبادی‌های تهران مثل قصر قاجار (سیدخندان)، یوسف‌آباد و داودیه قرار داشت و متعلق به عباس قلی‌خان از نزدیکان حاجی میرزا آغاسی صدراعظم محمدشاه قاجار بوده است. حاجی میرزا آغاسی در این منطقه باغی احداث کرد که به نام عباس‌آباد مشهور شده و باعث رونق اراضی عباس‌آباد گردید. از دوره حکومت پهلوی به بعد، مالکیت این اراضی دستخوش تغییر گردید. این الگو از الگوی مالکیت دولتی به عمومی و از عمومی به حکومتی به‌تدریج تغییر نمود. در سال ۱۳۵۳ تصمیم گرفته شد در این اراضی بزرگ‌ترین مجموعه شهری دنیا با عنوان شهستان پهلوی ساخته شود و نهایتاً در سال ۱۳۵۴ طرح جامع آن توسط شرکت انگلیسی لوالین دیویس تدوین گردید با این هدف که تهران به زیباترین و مدرن‌ترین شهر خاورمیانه تبدیل شود. قرار بر آن بود که این مجموعه کاربری‌های متعدد دولتی، تجاری و فرهنگی داشته باشد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی بخشی از این اراضی برای ساخت مصلای بزرگ تهران اختصاص یافت.

اولین طرح جامع عباس‌آباد پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۷۲ تهیه شد که پس از تجدیدنظر گروهی از مشاوران در نهایت در سال ۱۳۸۴ طرح جامع اراضی عباس‌آباد نهایی و در شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به تصویب رسید و ۱۳۸۵ برای اجرا به شرکت نوسازی عباس‌آباد ابلاغ گردید و در حال حاضر شامل کاربری‌ها و فضاهایی نظیر باغ‌موزه جواهرات، فرهنگستان جمهوری اسلامی، کتابخانه ملی (باغ دانش)، باغ کتاب و هنرهای ادبی، باغ چند عملکردی ارم، باغ هنرهای نمایش، باغ فلسفه و باغ هنر، باغ چند عملکردی ارم (هتل ارم)، باغ‌موزه دفاع مقدس، باغ علوم، پارک طالقانی، بوستان آب‌وآتش و پل طبیعت، ساختمان وزارت راه و شهرسازی، ساختمان راه‌آهن، ساختمان استانداری، بانک مرکزی، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، مصلی، مجموعه بیهقی و... است.



تصویر ۵- موقعیت محدوده اراضی عباس‌آباد در شهر تهران

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]



تصویر ۶- نقشه معارضان اراضی عباس‌آباد



تصویر ۷- تصاویری از محدوده اراضی عباس‌آباد

نتایج و تحلیل آن با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک: جدول۱ تعداد امتیازات ۰، ۱، ۲ و ۳ ماتریس براساس شرایط اثرگذاری را نشان می‌دهد و همینطور میزان پرشدگی ماتریس را به‌عنوان نسبت بین تعداد مقادیر اثرگذار متفاوت از ۰ و تعداد کل عناصر ماتریس محاسبه کرده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود از مجموع ۱۶۰۰سلول موجود در ماتریس ۴۰×۴۰ تعداد ۱۱۷۲ سلول (۷۳ درصد) دارای امتیاز صفر بوده است که نشان از عدم اثرگذاری کنشگران در تولید فضا دارد. همین‌طور ۱۹۲ سلول دارای امتیاز یک (اثرگذاری ضعیف)، ۱۰۲ سلول دارای امیتاز دو (اثرگذاری متوسط) و ۱۳۴ شاخص دارای امتیاز سه (اثرگذاری زیاد) است. در کل ۲۶/۷۵ درصد از سلول‌های ماتریس تشکیل‌شده دارای اثرگذاری هستند. میزان پایداری سیستم حداقل ۹۴ درصد است که نشان از پایداری خیلی مناسب اعداد و ارقام تکمیل‌شده در ماتریس مذکور است.

جدول۱- مشخصات اولیه ماتریس اثرات (MDI) در نرم‌افزار میک‌مک

شاخص	اندازه ماتریس	تعداد امتیاز صفر	تعداد امتیاز یک	تعداد امتیاز دو	تعداد امتیاز سه	مجموع تعداد امتیازات یک الی سه	میزان پرشدگی ماتریس	میزان پایداری سیستم
ارزش	۴۰	۱۱۰۸	۲۳۰	۱۱۶	۱۴۶	۴۹۲	٪۳۰	۹۷ درصد

جدول ۲ مجموع امتیازات اثرگذاری و اثرپذیری کنشگران در تولید فضا در اراضی عباس‌آباد را نشان می‌دهد. در این جدول کنشگری که دارای بیشترین امتیاز اثرگذاری است نشان از اثرگذاری هرچه بیشتر کنشگر بر سایر کنشگران در تولید فضا دارد. همینطور کنشگری که دارای بیشترین اثرپذیری باشد نشان از اثرپذیری بالای این کنشگر از سایر کنشگران در تولید فضا است. نتایج به‌دست آمده از جدول زیر شامل موارد زیر هستند:

- کنشگران اصلی و اثرگذار در تولید فضا در اراضی عباس‌آباد شامل ۱- متولیان مصلی (وابسته به نهاد رهبری)؛ ۲- سازمان بازرسی کل کشور؛ ۳- رهبر (آیت‌الله خامنه‌ای)؛ ۴- شرکت نوسازی عباس‌آباد؛ ۵- مدیرعامل شرکت نوسازی عباس‌آباد؛ ۶- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ ۷- شورای شهر تهران؛ ۸- ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران؛ ۹- شورای عالی شهرسازی و معماری و ۱۰- بانک مرکزی هستند.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

- مهمترین کنشگرانی که از سایر کنشگران اثر می‌پذیرند و در واقع اثرپذیری بالای در تولید فضا دارند شامل ۱- شرکت نوسازی عباس‌آباد، ۲- شهرداران تهران، ۳- شهرداری تهران، ۴- شرکت‌های مهندسین مشاور تهیه کننده طرح‌ها، ۵- اداره نظارت و اجرای پروژه های عباس‌آباد، ۶- شورای راهبری و نظارت بر اجرای طرح ویژه اراضی عباس‌آباد، ۷- شرکتهای پیمانکار اجرا کننده پروژه ها، ۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۹- هیات مدیره شرکت نوسازی عباس‌آباد و ۱۰- سازمان اوقاف و امور خیریه هستند. در واقع این ارگان‌ها تحت فرمان سایر کنشگران و ارگان‌ها در اراضی عباس‌آباد بوده و یا هستند.
- کنشگرانی که کمترین اثرپذیری را در تولید فضا در اراضی عباس‌آباد دارند شامل ۱- سازمان کشتیرانی، ۲- مردم استفاده‌کننده‌ی فضا، ۳- بانک سپه، ۴- بانک مرکزی، ۵- فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۶- وزارت نیرو، ۷- وزارت نفت، ۸- کتابخانه ملی ایران (زیرنظر نهاد ریاست جمهوری)، ۹- مجلس سنا و ۱۰- شاه هستند.

جدول ۲ – امتیازات و رتبه‌های اثرگذاری و اثرپذیری کنشگران در تولید فضا در اراضی عباس‌آباد

کد	کنشگران تولید فضای عباس‌آباد	اثرگذاری		اثرپذیری		مجموع اثرگذاری و اثرپذیری	
		امتیازات	رتبه	امتیازات	رتبه	امتیازات	رتبه
A1	مجلس سنا	۸	۱۷	۰	۲۹	۸	۲۷
A2	مجلس شورای اسلامی	۳۰	۱۰	۷	۲۳	۳۷	۲۲
A3	شاه	۲	۲۱	۰	۲۹	۲	۳۱
A4	رهبر (آیت‌الله خامنه ای)	۵۳	۲	۹	۲۲	۶۲	۱۱
A5	متولیان مصلی (وابسته به نهاد رهبری)	۶۱	۱	۱۸	۱۸	۷۹	۴
A6	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	۴۰	۵	۲۲	۱۶	۶۲	۱۱
A7	باغ‌موزه دفاع مقدس	۲۳	۱۱	۲۷	۱۲	۵۰	۱۷
A8	ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران	۳۸	۶	۲۱	۱۷	۵۹	۱۳
A9	بنیادمستضعفان انقلاب اسلامی	۳۴	۸	۱۵	۱۹	۴۹	۱۸
A10	بانک انصار سپاه	۲۰	۱۲	۳۲	۱۰	۵۲	۱۶
A11	سازمان اوقاف و امور خیریه	۱۶	۱۵	۳۴	۸	۵۰	۱۷
A12	خبرگزاری جمهوری اسلامی	۱۲	۱۶	۳۶	۷	۴۸	۱۹
A13	سازمان تبلیغات اسلامی	۲	۲۱	۲۷	۱۲	۲۹	۲۴
A14	صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران	۲	۲۱	۲۵	۱۳	۲۷	۲۵
A15	سازمان بازرسی کل کشور	۶۱	۱	۱۳	۲۱	۷۴	۵
A16	وزارت راه و شهرسازی – (شامل وزیر راه و شهرسازی)–سازمان راه‌آهن	۳۲	۹	۳۲	۱۰	۶۴	۱۰
A17	شورای عالی شهرسازی و معماری	۳۸	۶	۳۳	۹	۷۱	۶
A18	شورای راهبری و نظارت بر اجرای طرح ویژه اراضی عباس‌آباد	۱۲	۱۶	۴۲	۵	۵۴	۱۵
A19	استانداری تهران	۱۸	۱۴	۱۸	۱۸	۳۶	۲۳
A20	وزارت نفت	۱	۲۲	۲	۲۸	۳	۳۰
A21	وزارت نیرو	۳	۲۰	۳	۲۷	۶	۲۹
A22	سازمان کشتیرانی	۲	۲۱	۶	۲۴	۸	۲۷
A23	کتابخانه ملی ایران (زیرنظر نهاد ریاست جمهوری)	۰	۲۳	۲	۲۸	۲	۳۱
A24	فرهنگستان زبان و ادب فارسی	۲	۲۲	۴	۲۶	۶	۲۹
A25	بانک مرکزی	۳۸	۶	۵	۲۵	۴۳	۲۰
A26	بانک سپه	۰	۲۳	۶	۲۴	۶	۲۹
A27	شورای شهر تهران	۴۰	۵	۲۸	۱۱	۶۸	۸
A28	شهرداری تهران	۳۶	۷	۴۷	۳	۸۳	۲

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

کد	کنشگران تولید فضای عباس‌آباد	اثرگذاری		اثرپذیری		مجموع اثرگذاری و اثرپذیری	
		امتیازات	رتبه	امتیازات	رتبه	امتیازات	رتبه
A29	شهرداران تهران (به صورت ویژه آقایان کرباسچی، قالیباف)	۳۰	۱۰	۵۱	۲	۸۱	۳
A30	سازمان بازرسی شهرداری تهران	۳۴	۸	۲۴	۱۴	۵۸	۱۴
A31	شرکت نوسازی عباس‌آباد	۴۵	۳	۶۲	۱	۱۰۷	۱
A32	مدیرعامل شرکت نوسازی عباس‌آباد	۴۲	۴	۲۳	۱۵	۶۵	۹
A33	هیات مدیره شرکت نوسازی عباس‌آباد	۳۶	۷	۳۴	۸	۷۰	۷
A34	اداره نظارت و اجرای پروژه های عباس‌آباد	۱۹	۱۳	۴۲	۵	۶۱	۱۲
A35	سازمان مشاور فنی عمران تهران	۳۷	۷	۲۷	۱۲	۶۴	۱۰
A36	سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران	۱۸	۱۴	۲۲	۱۶	۴۰	۲۱
A37	شرکتهای مهندسین مشاور تهیه کننده طرح ها.	۵	۱۸	۴۳	۴	۴۸	۱۹
A38	شرکتهای پیمانکار اجرا کننده پروژه ها	۵	۱۸	۳۸	۶	۴۳	۲۰
A39	رسانه های جمعی (روزنامه ها و سایت های خبری و...)	۴	۱۹	۱۴	۲۰	۱۸	۲۶
A40	مردم استفاده کننده ی فضا	۱	۲۲	۶	۲۴	۷	۲۸
	مجموع امتیازات	۹۰۰	–	۹۰۰	–	۱۸۰۰	–

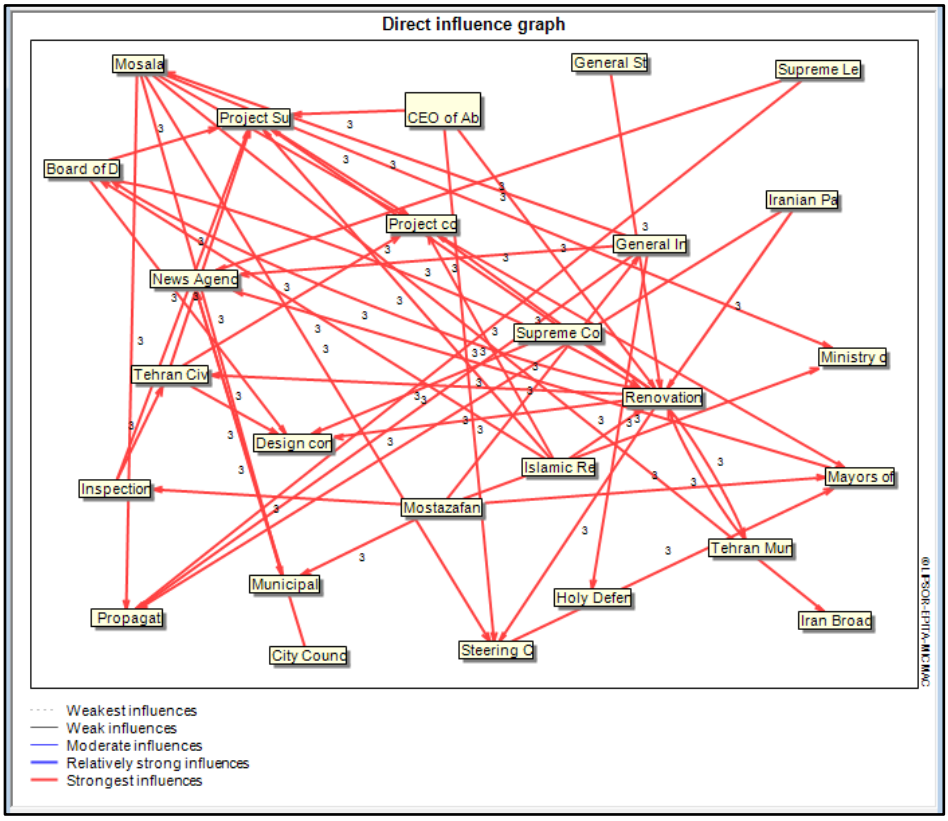
(منبع: نگارندگان براساس خروجی‌های نرم‌افزار میک‌مک)

در تحلیل اثرگذاری و اثرپذیری کنشگران در تولید فضای عباس‌آباد کنشگری بیشترین قدرت و اهمیت دارد که بیشترین اثرگذاری بر دیگر کنشگران داشته‌باشند. کنشگران بالا سمت چپ نشان‌دهنده کنشگرانی هستند که دارای بیشترین اثرگذاری و در عین حال کمترین اثرپذیری هستند. این کنشگران اصولاً بیشترین قدرت را در میان سایر کنشگران موجود در اراضی عباس‌آباد دارند. این کنشگران شامل متولیان مصلی، سازمان بازرسی کل کشور، رهبری، مدیرعامل شرکت نوسازی عباس‌آباد، شورای شهر تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بانک مرکزی، ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، مجلس شورای اسلامی، سازمان بازرسی شهرداری تهران، وزارت راه و شهرسازی – (شامل وزیر راه و شهرسازی)– سازمان راه‌آهن، سازمان مشاور فنی عمران تهران است.

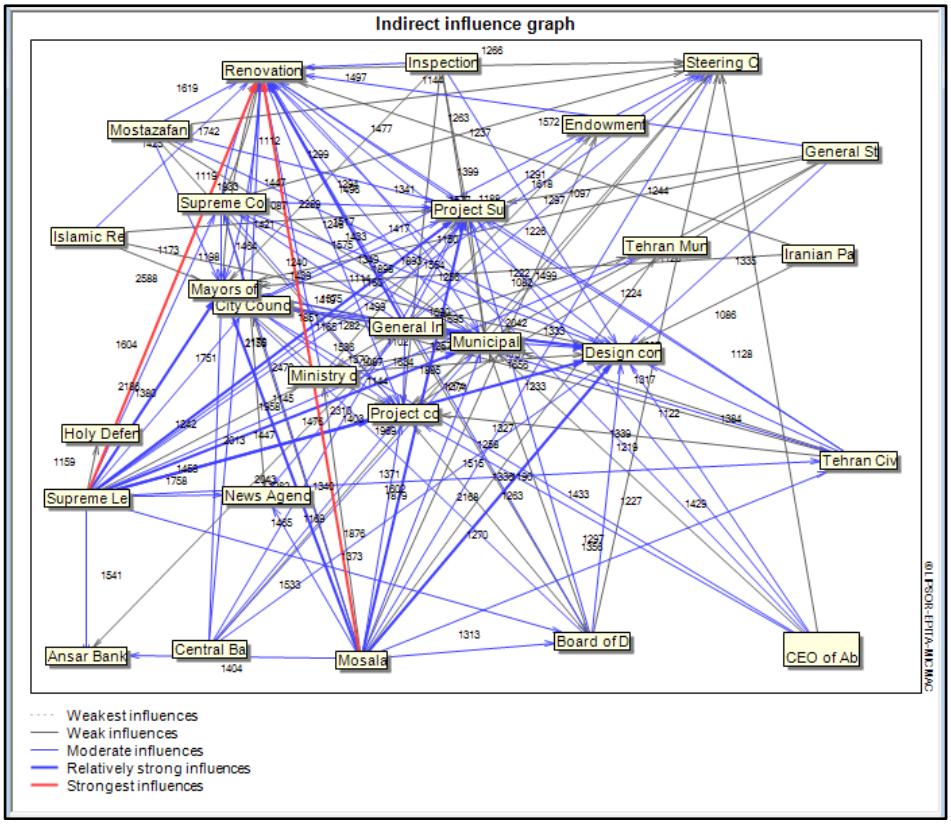
- کنشگران بالا سمت راست کنشگرانی هستند که همزمان دارای بیشترین اثرگذاری و بیشترین اثرپذیری می‌باشند. در واقع این کنشگران حلقه واسط در میان کنشگران بازی می‌کنند و نقش مهمی در ارتباط میان کنشگران اثرگذار و اثرپذیر دارند. این کنشگران شامل شورای عالی شهرسازی و معماری، هیات مدیره شرکت نوسازی عباس‌آباد، شرکت نوسازی عباس‌آباد، شهرداری، شهرداران تهران است.
- کنشگران پایین سمت راست نیز کنشگرانی هستند که وابسته به سایر کنشگران و اثرپذیر از آن‌ها هستند. این کنشگران بیشترین اثرپذیری را دارند و در عین حال کمترین اثرگذاری را بر سایر کنشگران دارند. این کنشگران شامل اداره نظارت و اجرای پروژه‌های عباس‌آباد، سازمان اوقاف و امور خیریه، شورای راهبری و نظارت بر اجرای طرح ویژه اراضی عباس‌آباد، شرکت‌های پیمانکار اجراکننده پروژه‌ها، شرکتهای مهندسین مشاور تهیه کننده طرح‌ها، باغ‌موزه دفاع مقدس، خبرگزاری جمهوری اسلامی هستند که اصولاً اجراکننده تصمیمات سایر ارگان‌ها و کنشگران هستند.
- کنشگران پایین سمت چپ نیز جزو کنشگرانی هستند که تأثیری چندانی (چه اثرگذار و چه اثرپذیر) بر تولید فضا در اراضی عباس‌آباد ندارد. این کنشگران در واقع جزو کنشگران بی‌اثر هستند. این کنشگران شامل استانداری تهران،بانک انصار سپاه، سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت نیرو، مجلس سنا، رسانه های جمعی (روزنامه ها و سایت های خبری و...)، سازمان کشتیرانی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مردم استفاده کننده فضا، وزارت نفت، شاه و کتابخانه ملی ایران (زیرنظر نهاد ریاست جمهوری)، بانک سپه هستند.

در تصاویر ۸ و ۹ نحوه ارتباطات کنشگران بایکدیگر را در دوحالت مستقیم و غیرمستقیم براساس میزان اثرگذاری و اثرپذیری ارائه‌شده است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]



تصویر ۸- نحوه مهمترین ارتباطات مستقیم کنشگران تولید فضا در اراضی عباس‌آباد



تصویر ۹- نحوه ارتباطات غیرمستقیم کنشگران تولید فضا در اراضی عباس‌آباد

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

بررسی تجارب نمونه‌هایی از تولید فضای شهری در جهان جهت بومی‌سازی و کاربست درسواره های آنها در بازتولید مطلوبتر فضای شهری عباس آباد: مطالعه فرآیندهای پیچیده تولید فضاهای شهری در نقاط مختلف جهان مورد توجه و اقدام پژوهشگران واقع شده است. این مطالعات، با مساله گشایی و فرایند گشایی تولید این فضاها، تلاش در شفاف سازی نکات و آموزه های متنوع برای بهره گیری از نقاط مثبت و کسب تجربه ازنقاط ضعف موجود داشته که کمک بزرگی به توسعه نظریه‌های برنامه ریزی شهری و درکل نظریه‌های مرتبط با فضای شهری می باشد که همه این توسعه دانش های شهری تلاشی برای توسعه پایدار و رفاه انسانی در حوزه‌های مختلف زندگی شهری انسان است. در اینجا به تعدادی از جدیدترین پژوهش های انجام شده از تجارب تولید فضای شهری در نقاط مختلف جهان اشاره می‌شود تا از تجارب بهره مدنظر اخذ گردد.

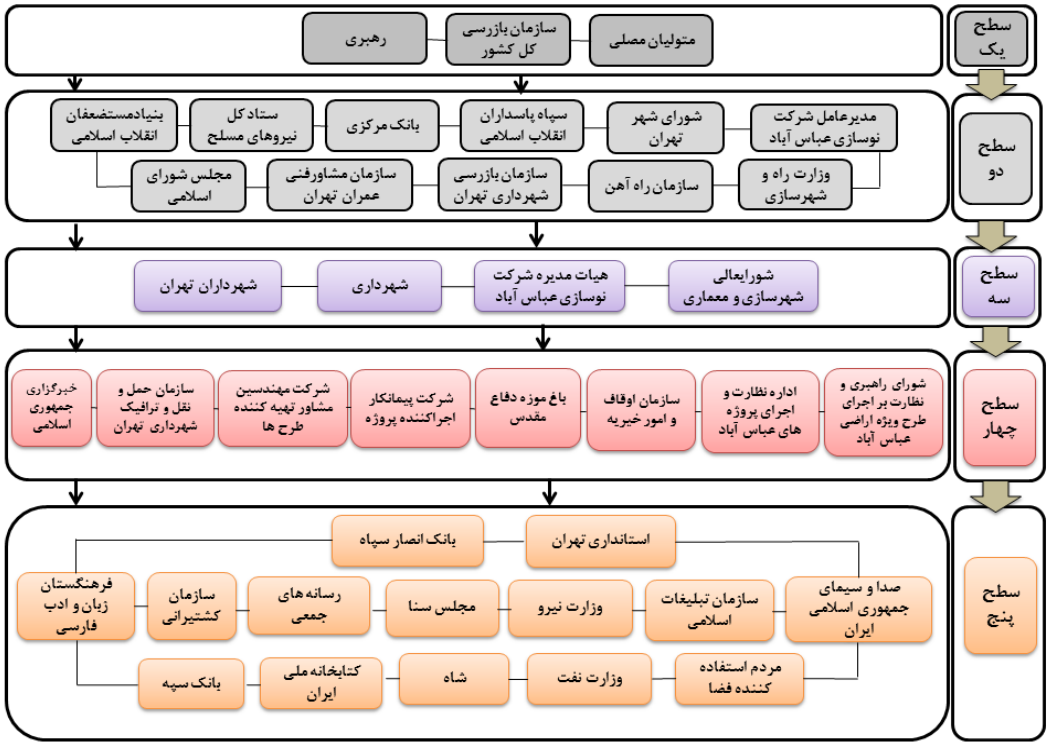
لیو وان و شیزن خیاو[۳۳] (۲۰۲۰) در پژوهشی به فرایند بازسازی فضایی سایت شیبینگ کارست[۳۴] در چین پرداخته‌اند. پروسه اقدام شده در این تجربه تولیدفضای شهری، تغییر شبکه بازیگر (سازوکارهای تغییر شبکه بازیگر عمدتاً شامل تغییر در اهداف اصلی بازیگران، اتخاذ مکانیسم حاکم و تغییر در نقش بازیگران به عنوان بخشی از تحول شبکه بازیگر، تغییر در روابط علاقه و تنظیم روابط قدرت بین بازیگران تأثیرگذار بر توسعه پایدار گردشگری و اقتصاد میراث فرهنگی) بود. خالد مندلی (۲۰۱۹) در پژوهشی، به بررسی جده به عنوان یک شهر کاملاً مجدد برنامه‌ریزی شده در یک اقتصاد به سرعت در حال توسعه اما عمدتا غیرقابل استفاده که فضاهای عمومی نتوانسته‌اند پاسخگوی نیازها و آرزوهای روزمره مردم باشند پرداخته‌است. برنامه‌ریزی شهری، دستورالعمل‌های طراحی و شیوه‌های جدید مدیریتی باعث تغییر اساسی بنیان‌های عمومی در کشورها شده‌است. با تصمیمات جدید توسعه، فضاهای شهری از نظر مکانی تغییر می‌کنند. ایجاد مکان‌های بهتر مستلزم تعهد سیاسی برای ارتقا قلمرو عمومی است. کارشناسانی که نقشه می‌کشند و طرح‌های شهری را ترسیم می‌کنند، یک ضرورت اخلاقی برای مفهوم‌سازی رویکردهای جدید برای بهبود محیط زیست دارند، در حالی که توسعه اقتصادی را از طریق یک فرایند حاکمیتی ضروری، با بازیگران اصلی جامعه مدنی درگیر می‌کنند، علاوه بر افراد متعهد، ساخت مکان‌های بهتر نیاز به طراحان ماهری است که بتوانند چشم اندازهای سازنده را بپذیرند، با درک پویایی تجاری و سیاسی با توانایی فنی، تغییر شکل فضای شهری را مدیریت کنند (Hall,2011 ; UN-Habitat,2016). بسیاری از نویسندگان متفق‌القول هستند که می توان از طریق تغییر در سازمان فضای شهری، تغییرات اقتصادی–اجتماعی را فهمید (هاروی، ۱۹۷۳ ؛ لوفور، ۱۹۹۱) چرا که با تغییرات مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در دوره‌های زمانی و مکانی مختلف، شاهد تغییر و تحول نقش و عملکرد فضاهای عمومی شهر هستیم(Jacobs,1961; Gehl & Svarre,2013; Hall,2002) از این رو ارتباط متقابل تولید فضای شهری و روابط قدرت حاکم در آن برهه زمانی و مکانی را به روشنی درمی‌یابیم. در پژوهشی بیداندی و ویلیامز[۳۵] (۲۰۲۰)، در مساله تعامل مقامات شهری توجه به زمین را مطرح نموده و به دنبال درک مسئله زمین شهری از دریچه نوشته‌های هانری لوفور درمورد تولید فضا و حق به شهر است. لی (۲۰۱۳) پیشنهاد می‌کند که از آنجا که زمین یکی از مولفه‌های اساسی شهرنشینی است، به تعامل اجتماعی اساسی و معنادار نیاز است (Williams, 2007; Williams, 2009) . قابل توجه است که تعامل اجتماعی معنادار و مهم جامعه در درجه اول اهمیت قرار دارد، بدون آن برنامه‌ریزی به عنوان یک نرمال انتزاعی باقی می‌ماند (Williams, 2010; Williams, 2008). در حالی که تعامل جامعه برای مقامات شهری مهم به نظر می‌رسد، مطالعات اهمیت آن را برای سیاست‌مداران و دولت‌های شهری نادیده‌گرفته اند (De Lange and De Waal, 2017) . ادبیات اخیر نشان می‌دهد که زمین شهری معمولاً به دلیل درگیری مستقیم دولت دارای تنش است زیرا به نظر می‌رسد در فرایندهای برنامه‌ریزی استثنائی شرکت می‌کند و بنابراین بر نتایج برنامه‌ریزی تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، سیستم کنونی تصرف زمین مشکلات جدی در مورد تخصیص زمین و حقوق استفاده از زمین در شهرهای مختلف جهان از جمله پایتخت اوگاندا ایجاد کرده است (Blomley، 2004؛ Omolo-Okalebo et al.، 2010؛ Bidandi and Williams، 2017؛ Ngabirano، 2018؛ Williams and Bidandi، 2018). به نقل از (Bidandi and Williams ,2020) . مساله بسیار مهم در این زمینه این است که مشاوره‌های عملی با جامعه یا مردم عادی باید اصلی‌ترین اصل برای برنامه‌ریزان شهر باشد (Williams, 2000; Williams, 2006). اسکات (۲۰۱۳) اظهار داشت که فضاهای عمومی نیاز به تعامل نیروهای سیاسی و برنامه‌ریزی دارند که به خودی خود از تنش‌ها در امان نیستند. یکی از نمونه پروژه‌های قابل مثال در این زمینه پروژه استرالیایی به نام بالارات ایمیجن[۳۶] است که قبل از تدوین استراتژی طولانی مدت جدیدی، یک گفتگوی بزرگ در جامعه را انجام داد (Buckley et al., 2015). این پروژه از یک فرآیند مبتنی بر ارزش استفاده کرده‌است تا «درک بهتر آنچه جوامع مختلف در بالارات بیشتر بها می‌دهند، آنچه برای آینده خود تصور می‌کنند و آنچه را که نمی‌خواهند از دست بدهند» کشف کند(Li et al., 2020).

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی هندسه جدید قدرت در شهر و تبیین روابط فضایی عناصر قدرت در تولید فضای شهری، منجر به آگاهی مورد نیاز برای برنامه‌ریزان و شهرسازان در مواجه منطقی‌تر و کاراتر با مسئله شهر و توسعه شهروند محورتر آن و حرکت به سمت «شهر برای همه اقشار» و در نتیجه ایجاد

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

آرامش و پایداری و امنیت و تعالی برای شهر و انسان‌ها می‌گردد. براساس بررسی‌های انجام‌شده گفتمان غالب مذهبی (ایدئولوژی مذهبی آمیخته با سیاست) در جامعه ایران خصوصا بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷، شکل قدرت و روابط را تعیین کرده است. در این جامعه مرکز قدرت مشخص است و تفکر آسمانی و نظام سلسله مراتبی، ساختار قدرت و هویت ویژه‌ای را به وجود آورده است که در روابط اجتماعی و عناصر کالبدی و فضایی شهر خود را نشان می‌دهد. این موضوع در تولید فضای اراضی عباس‌آباد با نظر به نوع کاربری‌ها و فعالیت و المان‌ها و اسامی انتخاب شده برای فضاها و مسیرها و درگاه‌ها در آن نیز به روشنی ملاحظه می‌شود. در این مطالعه برای بررسی و تحلیل روابط قدرت کنشگران تولید فضای عباس‌آباد از روش تحلیل تأثیرات متقابل با بهره‌گیری از نرم‌افزار میک‌مک (Micmac) استفاده شده است. کنشگران دارای نقش و تأثیر در تولیدفضای شهری اراضی عباس‌آباد که با استفاده از مصاحبه نیمه ساخت‌یافته و بررسی میدانی و اسنادی شناسایی شدند و با استفاده از خروجی‌های نرم‌افزار مذکور، روابط قدرت این کنشگران در بازتولید فضاهای شهری عباس‌آباد مشخص گردید که در قالب تصویر ۱۰ روابط سلسله‌مراتبی آنها نمایش داده شده است. در این شکل کنشگران براساس نتایج به‌دست آمده از نرم‌افزار میک‌مک به پنج سطح از نظر میزان قدرت و اثرگذاری بر اراضی عباس‌آباد تقسیم شده‌است که در بالاترین سطح متولیان مصلی، سازمان بازرسی کل کشور و رهبری قرار گرفته‌است و در پایین‌ترین سطح نیز مردم به‌عنوان استفاده‌کننده از فضا، وزارت نفت، کتابخانه ملی ایران (زیرنظر نهاد ریاست جمهوری) و بانک سپه قرارگرفته است.



تصویر ۱۰- نحوه ارتباطات سلسله‌مراتبی کنشگران تولید فضا عباس‌آباد (تحلیل تأثیر متقاطع در نرم‌افزار MicMac)

همان‌گونه که نتایج تحلیل نرم‌افزار نیز نشان می‌دهد روابط قدرت بین کنشگران در عباس‌آباد به هیچ وجه معطوف به شهروندان نیست. تناقض موجود در اهداف و عمل انجام‌شده در اراضی عباس‌آباد، که منجر به از دست رفتن بخش زیادی از فضا و پتانسیل این فضای شهری بزرگ در بازتولید از لحاظ تامین نیازهای اقشار مختلف شهروندان است، براساس قدرت هر کنشگر با توجه به میزان تأثیر محیطی (کالبدی) رخ داده است. از این رو کنشگران اصلی فی‌النفسه در برابر میزان قدرت و تأثیرگذاری که دارند، می‌توانند وزنه تعادل را در بازتولید فضاهای عباس‌آباد به شرایط مطلوب شهروندان برگردانند. به عبارتی این مسئله حائز اهمیت اساسی است که تأثیرگذاری و میزان قدرت هر کنشگری در تولید و بازتولید فضاهای شهری، وابستگی زیادی به منبع قدرت آن کنشگر دارد و بنابراین برای موازنه و به تعادل رساندن قدرت کنشگران اصلی، بسیار مهم و ضروری است که منبع قدرت آن‌ها را به تعادل رساند. این امر مستلزم ایجاد تحولات و اصلاحاتی در حوزه ساختاری و عملکردی در فرایند و چرخه تولید فضای شهری است. کردارهای دولتی گوناگون، تولید ارزش‌های فضایی می‌کند و از خلال ارزش‌گذاری‌های فضایی و ایجاد مفاهیم، به تولید فضا اقدام می‌کند و از خلال این فرایند قدرتش را بازتولید می‌کند. دولت و حکومت در ایران به‌عنوان دو نهاد وابسته به یکدیگر و گاه در

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

تضاد باهم، عملاً رشته‌های تسلط خود را بر نظام مدیریتی کشور و تمامی رشته‌های حیات و فعالیت مردم، به‌ویژه بخش خصوصی گسترده اند و هر گامی صرفا باید به اراده دولت و حکومت و منافع آن‌ها متصل باشد. لذا در کنار اصلاح ساختار مدیریت شهری، ایجاد یک دگردیسی و کوچک سازی در بدنه دولت متمرکز نیز در موازنه قدرت[۳۷] و به تعادل نسبی رسیدن سهم‌های قدرت[۳۸] بین کنشگران تولید فضای شهری بسیار موثر خواهد بود. بازتولید هر فضا از کنشگر یا کنشگران مربوطه همان فضا در مقیاس خودش تأثیرپذیر است. تغییر فضای شهری که در اثر تغییر در نحوه تولید فضا ظهور می‌کند، در صورتی می‌تواند موجب تحول شهری گردد که با تغییرات عمیق اجتماعی، اقتصادی و در نهایت سیاسی در عمل اجرایی شود. بنابراین برای به تعادل رساندن قدرت و تأثیرگذاری کنشگران و ارتقای قدرت شهروندان در تولید فضای شهری اراضی عباس‌آباد، نیاز است که با راهبردها و اقداماتی منبع قدرت کنشگران مهم کم قدرت و کم تأثیر را تقویت نموده و بستر مناسبی برای این چشم انداز، تعریف نمود. برای این منظور راهکارهایی به شرح ذیل می‌تواند مدنظر قرار گیرد. شایان ذکر است که این پیشنهادات با بهره‌گیری از تجارب تولید و بازتولید فضاهای شهری در نقاط مختلف جهان در دهه اخیر و همچنین در نظر گرفتن شرایط بومی و سرزمینی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران و نیز نتایج بدست آمده از شناسایی کنشگران و سطح قدرت (تأثیرگذاری) آنها در تولید فضای شهری مورد مطالعه این پژوهش (اراضی عباس آباد تهران) تدوین شده‌است که این پیشنهادات و راهکارها شامل موارد زیر هستند:

الف- اصلاح ساختار مدیریت شهری؛

ب- مدیریت شهری یکپارچه برای لحاظ نمودن و هماهنگ کردن نیازهای همه‌جانبه شهروندی در ترکیب و بهره‌گیری از فناوری؛

- ایجاد مدیریت یکپارچه و کاهش مسئولیت‌های مستقیم شهرداری.

ج- ایجاد و ارتقا جایگاه قانونی و رسمی و دسترسی به منابع قدرت قانونی؛

۱- تعریف جایگاه شهروندان در نظام برنامه‌ریزی شهری در مراحل سه گانه (تهیه طرح، تصویب طرح و اجرای طرح)، همراه با برنامه و روند نحوه اقدام بصورت شفاف و مشخص؛

۲- در مرحله تهیه طرح؛ مشارکت شهروندان در تهیه طرح، اخذ نظرات شهروندان از ابعاد مختلف و مشاوره های جمعی شهروندان و جمع‌بندی نهایی توسط کارشناسان و متخصصان شهرسازی و همکاران مرتبط؛

۳- ایجاد دفتر توسعه محلی و اختصاص جایگاه قانونی و رسمی برای آن؛

۴- در مرحله تصویب طرح؛ به مشورت گذاشتن و رای‌گیری برای تصویب طرح با دلایل و مستندات منطقی و اختصاص درصدی از رای مورد نیاز برای تصویب طرح به نظر جمعی شهروندان، وجود یک یا چند نماینده قانونی از شهروندان (برای اعلام ماحصل نظر جمعی شهروندان)؛

۵- در مرحله اجرای طرح؛ مشارکت مردم در اجرای طرح‌ها، تولید فضاهای موقت با انواع فعالیت‌ها و عملکردها در فضا.

د- تغییر پویا در شبکه بازیگر و سازو کارهای آن

۱- مدیریت تعارض منافع کنشگران از طریق آگاهی بخشی و اطلاع رسانی شفاف و جمع آوری نظرات، ارزش‌ها و خواسته‌های همه گروه‌های کنشگر قبل از انجام پروژه؛

۲- تاسیس یک کمیسیون فنی بی‌طرف برای تعیین دستورکارها و دستورالعمل‌های مناسب؛

۳- ایجاد مکانیزم جدید حکمرانی (ارائه مجوز سازمانی برای فعالیت سازمان‌های اجتماعی و مردم نهاد و ارائه قدرت طراحی، اداره و محافظت از فضاهای تولید و زندگی به ساکنان جامعه از طرف دولت و حاکمیت)؛

۴- توجه به بخش خصوصی مستقل و نظارت جدی و جلوگیری از دسترسی نابرابر شهروندان در زمان محول شدن مسئولیت کنترل فضاهای عمومی به بخش خصوصی؛

۵- حمایت‌های مالی دولت، بهره‌گیری از کارکنان ماهر و متخصص و آموزش کارکنان.

پی‌نوشت‌ها

1- Michel Foucault
2- Henri Lefebvre
3- Jean Hillier
4- Theodore Gordon
5- Olaf Helmer
6- Cross-Impact analysis
7- MicMac
8- Davies, J.S. (2002)
9- Booth, Ph. (2005)
10- R. Edward Freeman
11- The Darden School University of Virginia
12- law and social production of space

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

13- Griffith Law School
14- Dalia A. Taha
15- Political Role of Urban Space Reflections on the Current and Future Scene in Cairo-Egypt
16- Elisabeth Maria LECLERCQ
17- UN-Habitat
18- Setha Low
19- پژوهشی با عنوان «فضای عمومی و تنوع: گزاره‌هایی برای عدالت اجتماعی در خیابان‌ها، پارک‌ها و میدان‌ها»
20- Parsons
21- Lukes
22- Giddens
23- Foucault
24- Clegg
25- Morriss
26- hybridize
27- Vikas Mehta, writing
28- Economic Conflict
29- Value Conflict
30- Power Conflict
31- Gilles Deleuze
32- Community-Based Participatory
33-Lu Wang & Shizhen Xiao
34- Shibing Karst
35- Fred Bidandi& John J Williams
36- Ballarat Imagine
37- power balance
38- power ratio

منابع

- ایثاری، م.، شجاعی زند، ع. و آورین، ب. (۱۳۹۸). تعاملات میان سیاست‌های شهری و زیست غیررسمی تهیدستان در فضای شهری؛ ارائه یک مدل نظری، توسعه محلی (روستایی شهری)، ۱۱(۱): ۱-۱۴.
- بهشتی، م. ، زالی، ن. (۱۳۹۰). شناسایی عوامل کلیدی توسعه منطقه‌ای با رویکرد برنامه‌ریزی بر پایهٔ سناریو (مطالعهٔ موردی استان آذربایجان شرقی)، مجلهٔ برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۵(۱): ۴۱-۶۳ .
- درگاهی، ح.، موسوی، م. ه.، عراقیه فراهانی، س. و شهام، گ. (۱۳۸۷). مدیریت تعارض و راهبردهای مرتبط، مجله دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (پیاورد سلامت)، ۲(۲): ۶۳ -۷۲.
- رفیعیان، م.، یزدانیان، ا. وداداش پور، ه.(۱۳۹۶). صورتبندی انتقادی مساله ی فضا، با تاکید بر فضای عمومی‌شهری فضا چگونه از خلال روابط نیروها تولید و بازتولید می‌شود؟، نشریه علمی پژوهشی جغرافیای سیاسی، ۸(۲): ۷۹ -۱۰۸.
- رفیعیان، م.، کیانفر، آ. (۱۳۹۸). فهم فضاهای خا کستری شهری: جایگاه قدرت در مناسبات تولید سکونتگاههای غیررسمی شهری (مورد: شهرک رضویه تهران). نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی،۲۴ (۱): ۵ — ۱۶.
- رهنمایی، م. (۱۳۹۳). سایه سنگین عملکرد مرکزیت سیاسی و اداری بر فضای شهری تهران، مجموعه مقالات همایش تمرکززدایی و ساماندهی پایتخت، برگزارکننده: دانشگاه تربیت مدرس (قطب علمی جغرافیای سیاسی)، زمان ۴ و ۵ اسفند ۱۳۹۳.
- سرخیلی، ا.، رفیعیان، م. و تقوایی، ع. (۱۳۹۵). بررسی الگوی تعارض ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در ابرپروژهای شهر مشهد، نشریه جغرافیا و توسعه، ۴۵(۴): ۱۴۱-۱۵۸.
- صرافی، م.، توکلی‌نیا، ج.، و چمنی مقدم، م. (۱۳۹۴). جایگاه برنامه‌ریز در فرآیند برنامه‌ریزی شهری ایران، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، ۳(۳): ۱۹-۳۲.
- فوکو، م. (۱۳۸۹). سوژه و قدرت در تئاتر فلسفه: گزیده‌ای ازدرسگفتارها، کوتاه نوشت‌ها، گفتگوها و ... ، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، تهران: نشر نی.
- قهرمان‌پور، ر. (۱۳۹۲). ساختار قدرت و توسعه سیاسی در ایران.
- کاویانی‌راد، م. (۱۳۹۴). رویکردی نو در بازتعریف جغرافیای سیاسی، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۷(۳): ۵۴۳-۵۵۶.
- کرسول، ج. (۱۳۹۸). طرح پژوهش (رویکردهای کمی کیفی و ترکیبی)، ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس، انتشارات جهاددانشگاهی دانشگاه علامه طباطبایی.
- لوکس، ا. (۱۳۹۳). قدرت: نگرشی رادیکال، ترجمه عماد افروغ، تهران، نشر علم، چاپ اول.
- لطیفیان، س.(۱۳۸۴). استراتژی‌ها و روش‌های برنامه ریزی استراتژیک، تهران: وزارت امور خارجه.
- معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهری. (۱۳۹۵). گزارش عملکرد سالانه ۱۳۹۴، فروردین.
- نای، ج. (۱۳۹۲). آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، نشر نی.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

- نژادبهرام، ز.، جلیلی، م. (۱۳۹۹). تبیین مفهوم « قدرت شهر » و اثرات آن در فرآیند توسعه شهر تهران، نشریه معماری وشهرسازی آرمان‌شهر. ۳۳(۴): ۲۶۷-۲۷۸.
- هیلیر، ج. (۱۳۸۸). سایه‌های قدرت (حکایت دوراندیشی در برنامه‌ریزی کاربری اراضی)، ترجمه کمال پولادی، ناشر جامعه مهندسان مشاور ایران.
- هیلی، پ. (۱۳۹۷). پیچیدگی شهری و استراتژی های فضایی- برنامه‌ریزی رابطه‌ای هماهنگ با زمان، مترجم: حسین رضا کشاورز قدیمی، انتشارات آرمانشهر، چاپ اول.
- Amason, A. C., Thompson, K. R., Hochwarter, W. A., Harrison, A. W (1995). Conflict: An [mportant Dimension in Successful Management Teams,Organizational Dynamics, 23(2): 20-36.
- Booth, Ph. (2005). Partnerships and Networks: The Governance of Urban Regeneration in Britain . Journal of Housing and the Built Environment , 20: 257–269.
- Bidandi, F., Williams, J J. (2020). Understanding urban land, politics, and planning: A critical appraisal of Kampala's urban sprawl. Cities, 106 : 102-858.
- Brenner, N., Marcuse, P., & Mayer, M. (Eds.). (2012). Cities for people, not for profit: Critical urban theory and the right to the city. London: Routledge.
- Buckley, K., Cooke, S., & Fayad, S. (2015). Using the historic urban landscape to reimagine ballarat. In S. Labadi, & W. Logan (Eds.), Urban heritage, development and sustainability (1st ed., pp. 93–113). Routledge.
- Butler, Christopher. (2004). Law and the Social Production of Space. Thesis (PhD Doctorate). Griffith Law School.
- Davies, J.S. (2002). The Governance of Urban Regeneration: a critique of the "Governance without Government Thesis". Journal of Public Administration, 80 (2): 301-322.
- Davidoff, P .(2012). Advocacy and Pluralism in Planning, prudence in Land- Use planning, Persian translation by Pouladi, K. 1st edition, Association of Consulting Engineers Publicat.
- Dandage,R ; Mantha. Sh; Rane,S. Bhoola,V. (2017). Analysis of interactions among barriers in project risk management
- De Lange, M., & De Waal, M. (2017). Owning the city: New media and citizen engagement in urban design. Urban land use. London: Apple Academic Press:109-130.
- Ejlali, P., Rafieyan, M. Asgari, A. (2012). Theory of Planning: Traditional and Modern Views, 1st edition, Nashr-e Agah.
- Forester, John.(2013). On the theory and practice of critical pragmatism:Deliberative practice and creative negotiations, Planning Theory 12: 5.
- Fisher, R. (2000). Sources of Conflict and Methods of Conflict Resolution, International Peace and Conflict, School of International Service, American University.
- Faisal MN, Banwet DK, Shankar R .(2006). Supply chain risk mitigation: modelling the enablers. Business Process Manag J 12(4):535–552.
- Gehl, J., & Svarre, B. (2013). *How to study public life.* Vol. Transulated by Karen Ann SteenhardWashington: Island Press.
- Gordon, T. J. (1994). Cross-impact method, AC/UNU Millennium Project. Futures Research Methodology. Greenwood Press.
- Hall, P. (2002). Cities of tomorrow: An intellectual history of urban planning and design in the twentieth century. Oxford: Blackwell Publishing.
- Hall, T. (2011). Proactive engagment in urban design: The case of Chelmsford. In S.Tiesdell, & D. Adams (Eds.). Urban design in the real estate development process. Oxford:Wiley-Blackwell.
- Haas, T., W. Mehaffy, M .(2019). Introduction: the future of public space**,** Published online: 2 March 2018 Macmillan Publishers Ltd., part of Springer Nature 2018 , Urban Des Int 24:1–3.
- Harvey, D. (1973). Social justice and the city. London: Edward Arnold
- Harvey, D. (2010). The Right to the City. New Left Review. Vol. 53: 23–40
- Harvey, D. (2008). The Right to the City. New Left Review. Vol. 53: 23–40.
- Harvey, D. (1990). Social Justice and the City. London: Edward Arnold.
- Healey,P.(1998). Building institutional capacity through collaborative approaches to urban planning. Environ. Plan. 30(9): 1531-1546.
- Hutchison, R. (2010). Encyclopedia of urban studies: SAGE Publications.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

- Inam, A. (2018). Designing new practices of transformative urbanism: an experiment in Toronto. Article in URBAN DESIGN International.
- Jacobs, J. (1961). The death and life of great American cities. New York: Random House.
- Jadhav, J., Manth, S., Rane, S. (2014). Development of framework for sustainable Lean implementation: an ISM approach. J Ind Eng Int 10:72.
- Kivits, .(2013). Multi-dimensional stakeholder analysis : a methodology applied to Australian capital city airports", A Thesis submitted in fulfilment of the requirements for the award of the degree Doctor of Philosophy from Southern Cross University,Southern Cross Business School, MSc Engineering and Policy Analysis (Delft University of Technology, The Netherlands).
- Lefebvre, H. (1991). The production of space. Oxford: Blackwell.
- Lefebvre, H. (2000). The right to the city. New York Rizzoli: Architecture Culture.
- Lee, J. T. T. (2013). This land was made for Washington DC you and me: Public participation in land use decisions. New York: 1.
- Li, Ji., Krishnamurthy,S., Pereira Roders, A., Wesemael, P.(2020). Informing or consulting? Exploring community participation within urban heritage management in China. Habitat International 105 : 102268 . Contents lists available at ScienceDirect . journal homepage: http://www.elsevier.com/locate/habitatint
- Lim, M.(2014)." Seeing spatially: people, networks and movements in digital and urban spaces", IDPR, 36(1).
- Ludwig-Glück, Daniel Mai, Nina Ritzi-Messner, Christina Veldhoen and Lucas Fassnacht, Journal of Classical Sociology, 10:153-172.
- Mashhadi Moghaddam,N. Rafieian,M. (2019). Tears and smiles in the urban protests against local decisions: searching for footprint of power in urban management (Evidence from Tehran). Heliyon 5(2):1-30.
- Mandeli, Kh. (2019). Public space and the challenge of urban transformation in cities of emergingeconomies: Jeddah case study. Cities, 95. 102409 .
- Mandal A, Deshmukh SG .(1994). Vendor selection using interpretive structural modelling. Int J Oper Prod Manag, 14(6):52–59.
- Mehaff, M. W., Elmlund, P., & Farrell, K. (2019). Implementing the new urban agenda:The central role of public space. Urban Design International, 24(1): 4–6.
- Ozer, A. (2007). Government in the Western Thought, Persian translation by Bagheri, A. 1st edition, Farzan Publication.
- Radovic, D. (2016). Learning, Thinking and Living Tokyo. Doing urban research in cultures radically different to that of our own. The Journal of Public Space, 1(1), 35-42.
- Scott, A. J. (2013). The urban land nexus and the state. London: Routledge.
- Taylor,N.(1998). Urban Planning Theory since 1945. SAGE Publications, London.
- UN-Habitat (2016). Urbanization and development: Emerging futures (world cities report2016).UN-Habitat: Nairobi.
- Wang, Lu, Xiao, Shizhen. (2020). Tourism space reconstruction of a world heritage site based on actor network theory: A case study of the Shibing Karst of the South China Karst World Heritage Site. International Journal of Geoheritage and Parks 8: 140 –151.
- Weber, M. (2010). The Distribution of Power within the Community: Classes, Stände, Parties, Translated by Dagmar Waters, Tony Waters, Elisabeth Hahnke, Maren Lippke.
- Williams, J. J. (2000). South Africa: Urban transformation. Cities, 17(3): 167 –183.
- Williams, J. J. (2006). Community participation: Lessons from South Africa. Policy Studies, 27(3): 197 –216.
- Williams, J. J. (2007). Local Government as a form of public participation: Some critical perspectives. Critical Dialogue, 3(1), 16 –23.
- Williams, J. J. (2008). Governance through community participation in post-apartheid South Africa. Participation and Governance, 1(1): 43 –60.
- Williams, J. J. (2009). The everyday at grassroots level: Poverty, protest and social change in post-apartheid South Africa. In G. Lechtin, J. d 'Adesky, C. Mera, A. Allahar,R. Cornejo, & M. E. Alvarez (Eds.). CLACSO southern paper series #3 working paper seriesConsejo Latinoamericano de Ciencias Sociales.
- Williams, J. J. (2010). Governance through transformative planning in post-apartheid South Africa. Participation and Governance, 3(2): 12 –28.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

پیوست: جدول: نام انگلیسی کنشگران در نرم‌افزار میک‌مک و نمودارهای خروجی از آن

کد	کنشگران تولید فضای عباس‌آباد	ACTORS
A1	مجلس سنا	Senate
A2	مجلس شورای اسلامی	Iranian Parliament
A3	شاه	SHAH(MohammadReza Pahlavi)
A4	رهبر (آیت الله خامنه ای)	Supreme Leader of Iran
A5	متولیان مصلی (وابسته به نهاد رهبری)	Mosala
A6	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	Islamic Revolution Guards Corps (IRGC)
A7	باغ موزه دفاع مقدس	Holy Defense Museum
A8	ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران	General Staff of the Armed Forces of the Islamic Republic of Iran
A9	بنیادمستضعفان انقلاب اسلامی	Mostazafan Foundation of Islamic Revolution
A10	بانک انصار سپاه	Ansar Bank
A11	سازمان اوقاف و امور خیریه	Endowment and Charity Organization
A12	خبرگزاری جمهوری اسلامی	Islamic Republic News Agency
A13	سازمان تبلیغات اسلامی	Islamic Propagation Organization
A14	صدا و سیمای جهموری اسلامی ایران	Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB)
A15	سازمان بازرسی کل کشور	General Inspection Organization of Iran (GIO)
A16	وزارت راه و شهرسازی – (شامل وزیر راه و شهرسازی)- سازمان راه آهن	Ministry of Roads and Urban Development
A17	شورای عالی شهرسازی و معماری	Supreme Council of Urban Planning and Architecture of Iran
A18	شورای راهبری و نظارت بر اجرای طرح ویژه اراضی عباس اباد	Steering Council to supervise the implementation of the Abbasabad special land plan
A19	استانداری تهران	Tehran Provincial Government
A20	وزارت نفت	Ministry of Petroleum (MOP)
A21	وزارت نیرو	Ministry of Energy (Iran)
A22	سازمان کشتیرانی	Islamic Republic of Iran Shipping Line Group
A23	کتابخانه ملی ایران (زیرنظر نهاد ریاست جمهوری)	National Library of Iran
A24	فرهنگستان زبان و ادب فارسی	Academy of Persian Language and Literature
A25	بانک مرکزی	Central Bank of the Islamic Republic of Iran
A26	بانک سپه	Bank Sepah
A27	شورای شهر تهران	Islamic City Council of Tehran
A28	شهرداری تهران	Municipality of Tehran
A29	شهرداران تهران (آقایان کرباسچی، قالیباف)	Mayors of Tehran
A30	سازمان بازرسی شهرداری تهران	Inspection Organization of Tehran Municipality
A31	شرکت نوسازی عباس‌اباد	Abbas Abad Renovation Company
A32	مدیرعامل شرکت نوسازی عباس‌اباد	CEO of Abbasabad Renovation Company
A33	هیات مدیره شرکت نوسازی عباس‌اباد	Board of Directors of Abbasabad Renovation Company
A34	اداره نظارت و اجرای پروژه‌های عباس‌آباد	Abbas Abad Project Supervision and Execution Office
A35	سازمان مشاور فنی عمران تهران	Tehran Civil Technical Consulting Organization
A36	سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران	Tehran Municipality Transportation and Traffic Organization
A37	شرکتهای مهندسین مشاور تهیه کننده طرح ها	Design consulting engineering companies
A38	شرکتهای پیمانکار اجرا کننده پروژه ها	Project contractor companies
A39	رسانه های جمعی(روزنامه ها و سایت های خبری و...)	mass media
A40	مردم استفاده کننده ی فضا	Space users(People who use space)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]

Explaining the power relations of the actors of production and reproduction of the urban space of Abbas-Abad lands in Tehran

Nayyer Farabi Asl, *PhD student in Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran*
Mojtaba Rafieian, *Professor, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran ,Iran (rafiei_m@modares.ac.ir)*
Mohammadreza Khatibi, *Assistant Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran*

Received: 2021/01/03 *Accepted: 2021/05/21*

Extended abstract
Introduction: Urban space production is a multifaceted concept that can be considered a set of processes and individual and group human actions such as decision making, participation in urban control and ownership, and participation in the production of physical space. The emphasis of different thinkers reveals the importance of power in creating urban spaces. Today, our urban spaces face many problems due to monopolies, planning for one or more specific groups, lack of participation and expression for space users, and lack of attention to public interests. During the production and reproduction of urban space, several actors each have different powers and influence by accessing different power sources. Abbas-Abad lands of Tehran are one of the valuable areas and have unique potentials. How it is produced, reproduced, and exploited in recent decades by various strata has been thought-provoking. It seems that political trends have changed this valuable space from the ideal "city for all citizens" to the state of "every part of the city has become for a specific class".
Methodology: Therefore, this study sought to identify influential actors in Abbas-Abad space production and examine the power relations. Data were collected through semi-structured interviews by snowball sampling method, document review, field observation, and Mic-Mac software was used for analysis.
Results: The findings of this study show that the government and the government, as two interdependent and sometimes contradictory institutions, have directed and controlled the production of Abbas-Abad space. There is no independent private sector in this process and what is called the private sector. They are affiliated and operate under the control and will of the government and the government. The power relations between the actors in Abbas-Abad are in no way focused on citizens and non-governmental organizations.
Conclusion: The challenges in Abbas-Abad decreased the potential of this ample urban space in reproduction to meet the needs of different segments of citizens. The level of power of each actor in the production of urban spaces is highly dependent on his source of power. Therefore, to balance the power of actors, it is essential to balance their source of power. This issue requires changes and reforms in the structural and functional field in urban space production.
Keyword: Actors, space production, power relations, MicMac, Abbasabad lands

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1400.10.37.12.9]
[DOI: 10.52547/hafthesar.10.37.9]